

ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی - تاریخی

احد نژادابراهیمی* محمدرضا پورجعفر** مجتبی انصاری*** پیروز حناچی****

چکیده

شناخت ارزش هر پدیده‌ای ارتباطی مستقیم با اعتبار، آگاهی و خواست افرادی دارد که تلاش آنها بر این امر استوار است که ارزش‌های پدیده‌ای را شناسایی و ارزیابی کنند. در این میان، آثار تاریخی از پدیده‌های ارزشمندی است که توانسته ارزش‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، مذهبی و ... را در خود متجلی نماید. شناخت جامع ارزش‌های آثار تاریخی در راستای شناخت کامل فرهنگ و هویت آن جامعه‌ای است که آثار تاریخی در آن قرار دارد. چنین شناختی می‌تواند ابعاد مختلف جهان‌بینی انسان‌های جامعه را در دوره‌های تاریخی نمایان سازد. بنا بر این، مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که در آثار تاریخی ارزش و مؤلفه‌های تأثیرگذار در شناخت و ارزیابی آن، در بردارنده چه مفهومی است. برای پاسخ به این پرسش نگارندگان نخست، ارزش را در دیدگاه‌های مختلف مورد پژوهش قرار دادند تا مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شناسایی و ارزیابی آن مشخص گردد. سپس از طریق شناسایی مؤلفه‌های مذکور تلاش شد تا ارتباط ارزش با رویکرد مداخله مشخص شود. تحقیق پیش‌رو از گونه بنیادی - نظری است که مطالب آن با بهره‌گیری از روش استدلال منطقی بررسی شده‌است. اطلاعات لازم هم برای نگاشتن مقاله از طریق مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به‌دست آمده‌است. تحلیل‌های به‌کاررفته در آن برای نتیجه‌گیری از نوع کیفی است. در نهایت، یافته‌های این مطالعات بیانگر آن بود که ارزش و ارزیابی آن در آثار تاریخی، فرایندی پویا است که متناسب با شرایط طبیعی و موقعیت زمانی در حال تغییر و دگرگونی است. همچنین در کنار مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی و کالبدی تأثیرگذار در ارزیابی ارزش، مسأله ادراکات انسان از محیط پیرامون خود نیز در ارزیابی آن، تأثیرگذار است. ضمن اینکه، ارتباطی مستقیم بین شناخت و ارزیابی ارزش در آثار تاریخی و رویکرد مداخله وجود دارد.

کلیدواژگان: ارزش، ارزیابی، ارزش ذاتی و کاربردی، رویکرد مداخله.

a_ebrahimi_s@yahoo.com

* استادیار، مرکز تحقیقات مرمت بناها و بافت‌های تاریخی و فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز.

** استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

*** دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

**** دانشیار، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

مقدمه

وجود ارزش در آثار تاریخی، امروزه امری پذیرفته شده است به طوری که یکی از مسائل مورد پژوهش برای شناخت آثار تاریخی، بحث شناخت ارزش‌ها و پدیده‌های وابسته به ارزیابی آنها در آثار تاریخی است. آن‌چنان‌که تقریباً بدون شناخت و ارزیابی ارزش‌های موجود در اثری تاریخی، نمی‌توان فرایند مداخله را تعیین کرد.

در ایران همواره حفاظت از آثار و بناهای تاریخی در بناهای ملی، مذهبی و وقفی وجود داشته است. بیان‌گفتار داریوش در کتیبه بیستون، دستورات و فرامین پادشاهان و والیان برای حفاظت از بناهای شاخص و موارد ذکر شده در وقفنامه‌ها از نمونه‌هایی هستند که کیفیت حفاظت از آثار تاریخی را در ایران نشان می‌دهند. گرچه حفاظت از آثار و بناهای تاریخی در ایران از میانه دوران قاجاریه با تغییر نگرش نسبت به تاریخ پدید آمد. هم‌زمان با شکل‌گیری مجلس شورای ملی، حفاظت در ایران روندی سیستمی و سازمانی پیدا کرد و مطالعات لازم برای شناخت ارزش‌های آثار تاریخی شکل گرفت. نخست، ارزش در آثار تاریخی تنها به شناخت ارزش پیشینه و زمان معطوف بود ولی در ادامه، دامنه ارزش در آثار تاریخی گسترده شد و ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، ملی، مذهبی و ... را نیز دربرگرفت. امروزه اهمیت ارزش در حفاظت به گونه‌ای است که شناخت و ارزیابی آن در تمامی مراحل مداخله، لازم و ضروری است.

از همین‌رو تلاش نگارندگان در این مقاله بر آن است تا ضمن شناخت ارزش‌ها، مؤلفه‌های تأثیرگذار در استحصال و ارزیابی ارزش را در آثار تاریخی مطالعه کنند و عوامل تأثیر گذار بر آنها و همچنین ارتباط ارزش با مداخله را روشن نمایند.

پیشینه تحقیق

امروزه در حفاظت، بحث وجود داشتن یا نداشتن ارزش مطرح نیست چراکه تقریباً همگان پذیرفته‌اند که آثار تاریخی دارای ارزش هستند. «ضرورت بررسی ارزش‌های میراث فرهنگی از این باب نیست که نیازمند اثبات آن هستیم. تقریباً هر کتاب مربوط به این زمینه با جملات مشابه، ارزش‌های میراث فرهنگی را مفروض قلمداد کرده‌اند.» (حجت، ۱۳۸۰: ۹۴). از این‌رو آنچه در بحث ارزش در آثار تاریخی مطرح است، نحوه و کیفیت ارزیابی ارزش این آثار است. هدف نهایی در این باره هم درک این نکته است که چه مؤلفه‌هایی در ارزیابی ارزش در آثار تاریخی مؤثر هستند. در این زمینه، آلویس ریگل^۱ نخستین شخصی بود که توانست نظامی

ارزشمند را در خصوص آثار تاریخی ارائه نماید. «آلویس ریگل [نگارنده و نخستین تحلیل روشمند ارزش‌های میراثی و در واقع بنیان‌گذار یک نظریه مرمت بود.]» (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۲۳۷). وی در مقاله‌ای تحت عنوان "مکتب مدرن بناهای تاریخی: ماهیت و توسعه"^۲، دسته‌بندی‌ای از ارزش‌ها ارائه نمود و ارزش را در قالب دو دسته؛ یادبودی و امروزی دسته‌بندی کرد. ضرورت مطالعه ارزش‌ها در آثار تاریخی نشان می‌دهد که تنها نباید به ارزش‌های تاریخی و قدمت در حفاظت توجه کرد بلکه ارزش‌های دیگری نیز می‌توانند در کنار ارزش‌های یادشده، اهمیت داشته باشند. «پس چنین برمی‌آید که اولویت ارزش‌گذاری‌ها در هر اثر در راستای درمان مناسب، حائز اهمیت بوده و اولویت اصلی در دسته‌بندی جدید ارزشی، بین ملاحظات تاریخی و زیباشناختی در گردش است.» (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۸). البته ارزش‌های زیباشناختی تنها یکی از ارزش‌های امروزی است و در کنار آن سایر ارزش‌ها نیز مهم هستند. این مباحث بیانگر اهمیت و ضرورت طرح مسأله ارزش و ارزیابی آن است. ضمن اینکه در منشورهای جهانی حفاظت نظیر منشور آتن و منشور بورا هم، به اهمیت بحث ارزش اشاره شده است.

در ایران، ارزش بیشتر در زمینه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی مطالعه شده است لیکن، در عرصه‌های میراث فرهنگی و آثار تاریخی مطالعه‌ای عمیق، مستقل و جامعی در این باره وجود ندارد. باین‌همه، می‌توان به نوشته‌های محمدرحیم رهنما (۱۳۸۸) در زمینه شناسایی نقاط باارزش شهری اشاره نمود که عمدتاً بر شناسایی عناصر باارزش کالبدی و ساختاری شهر مشهد، تمرکز دارند. همچنین تعریف ارزش و ارزش‌های موجود در آثار تاریخی در پژوهش‌های مهدی حجت (۱۳۸۰) همچون "میراث فرهنگی در ایران سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی" که براساس نوشته‌های برنارد فیلدن^۳ تنظیم گردیده نیز، از این دست است. کریم مردمی و اصغر محمدمرادی (۱۳۸۷) هم، مقاله‌ای با عنوان "الزامات ارزش‌گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری" نگاشته‌اند. کامران صفامنش و بهروز منادی‌زاده نیز در رابطه با مبانی ارزش‌گذاری بناها و مجموعه‌های قدیمی مقاله نوشته‌اند. در تمامی نوشته‌ها و پژوهش‌هایی که درباره آنها سخن رانده شد، ارزش در ساختارهای کالبدی و فیزیکی جستجو می‌شود و در هیچ‌یک از آنها به مؤلفه‌های تأثیرگذار در شناسایی و ارزیابی ارزش و ارتباط آن با گزینش رویکرد مداخله توجه عمیقی نشده است. باین‌حال بین مطالعات فراملی، پژوهش‌های مؤسسه گنتی در آمریکا و اشخاصی

دارای این ارزش‌ها را به‌دنبال خواهد داشت. «آنچه نیاز به بررسی دارد، ابهاماتی است که در نحوه ارزیابی این ارزش‌ها وجود دارد. ما از بین آثار باقی‌مانده از گذشته معمولاً به آن چیزهایی توجه می‌کنیم که با ارزش^۷ تلقی گردیده‌اند. برای تعیین آنکه چه چیز با ارزش است، باید به ارزش‌ها مراجعه کنیم. این ارزش‌ها باید تحلیل و سپس، هماهنگ گردد تا با ارزش‌بودن اثر تاریخی تعیین گردد» (حجت، ۱۳۸۰: ۹۴). درباره ارزش‌های موجود در آثار تاریخی، دسته‌بندی‌هایی صورت گرفته است که به بخشی از آنها در پیشینه تحقیق اشاره شد. فیلدن هم دسته‌بندی جامعی از ارزش‌های آثار تاریخی ارائه نموده است. «ارزش‌های موجود در بناهای تاریخی در قالب سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شوند: اول، ارزش‌های هیجانی؛ الف. حیرت‌انگیز، ب. هویتی، ج. پیوستگی، د. معنوی و نمادین. دوم، ارزش‌های فرهنگی و تربیتی؛ الف. اسنادی، ب. تاریخی، پ. باستان‌شناسی، قدمت، کم‌یابی، ج. زیبایی‌شناختی و نمادی، د. معماری، ه. فضای شهری، بوم‌شناختی، منظر، و. علمی و تکنولوژی؛ سوم، ارزش‌های کاربردی؛ الف. کارکردی، ب. اقتصادی، ج. اجتماعی، د. آموزشی، ه. قومی و سیاسی.» (Feilden, 2003:6).

آنچه بیان شد، دسته‌مناسبی از ارزش‌های آثار تاریخی است لیکن چیزی که این نوشتار پی‌جویی می‌کند، ارزش‌های موجود در آثار تاریخی نیست. همان‌طور که گفته شد ارزش‌های موجود در آثار تاریخی برای همگان اثبات شده است و هر کس به‌فراخور دانش و آگاهی خویش، دسته‌بندی‌هایی درباره این ارزش‌ها ارائه نموده است. در اینجا هدف، نحوه ارزیابی و استحصال ارزش‌های موجود در آثار تاریخی است تا براساس چنین ارزش‌هایی، نسبت به گزینش شیوه مداخله تلاش کرد. نگارندگان این جستار، اعتقاد دارند که ارزش‌های موجود در آثار تاریخی را می‌توان در قالب دو دسته‌بندی کلی، ارزش با ماهیت کاربردی و ارزش با ماهیت معنوی دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی براساس تعریف ارزش‌های ذاتی و ابزاری است و نفی‌کننده دسته‌بندی بالا هم نیست. در تصویر ۱ به‌طور کامل، این دسته‌بندی نمایش داده شده است.

ارزیابی ارزش در آثار تاریخی

دسته‌بندی و تعریف روشمند از ارزش و ارزیابی آن مشکلاتی هم دارد (تصویر و جدول ۱). بخشی از این مشکلات، بخاطر مؤلفه‌های ارزشی بسیاری است که در آثار فرهنگی - تاریخی همچون مؤلفه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، زیبایی‌شناسی و هویتی وجود دارد. ارزیابی جامع مؤلفه‌های تأثیرگذار در این ارزیابی را می‌توان در قالب موارد زیر ارائه نمود.

همچون یوکا یوکیلهتو^۴ و برنارد فیلدن توانسته‌اند فرایندی را در زمینه شناسایی، استحصال و ارزیابی ارزش در زمینه آثار تاریخی و فرهنگی را ارائه نمایند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع بنیادی - نظری است که راهبرد اصلی آن بهره‌گیری از روش استدلال منطقی است. داده‌های اولیه مورد نیاز برای نگاشتن تحقیق از طریق مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به‌دست آمده است. ضمن اینکه تحلیل‌های به‌کاررفته در آن برای نتیجه‌گیری، کیفی بود.

مفهوم ارزش

ارزش در لغت‌نامه‌های فارسی به‌معنای بها، شایستگی و قابلیت یک پدیده است. مفهوم آن، ارزیابی چیزی در برابر چیز دیگر است. معنای آن در جامعه، ارزش‌بایدها و نیایدهای مورد پذیرش همگان است. «ارزش‌ها، موجودیت‌هایی‌اند برخاسته از بستر آنچه اخلاقیات نامیده می‌شود که نزد آدمیان به توافقی ضمنی، مورد پذیرش قرار می‌گیرند. ارزش‌ها می‌توانند از راه سنت‌ها و مذہب‌ها و اسطوره‌ها و نیز آرکی تایپ‌ها به مقیاس روز آیند.» (فلامکی، ۱۳۸۱: ۳۴۵). مشخص است ارزش در جامعه معادل هنجارهای جامعه است که می‌تواند از طریق سنت‌ها و آئین‌ها به‌وجود آید. علامه جعفری در مورد ارزش می‌گوید: «ارزش عبارت از مطلوبیتی است که از مفیدبودن یک حقیقت انتزاع می‌شود با اینکه خود ارزش فی‌نفسه دارای حقیقت عینی نیست. با نظر به منشاء انتزاعش که مفیدبودن به‌معنای عام آن است، یک واقعیت تلقی می‌شود.» (جعفری، ۱۳۸۵: ۱۹۷). باتوجه به این تعاریف، ارزش ماهیت حقیقی دارد و می‌تواند در دو مفهوم ارزش ذاتی^۵ و ارزش ابزاری^۶ موضوعیت داشته باشد. «منظور از ارزش ذاتی این است که وقتی، شیئی ارزش ذاتی دارد که آن شیء در برابر چیزی که ارزش آن وابسته به هدف یا موجود دیگری است، قرار می‌گیرد. ارزش ابزاری برخلاف ارزش ذاتی به این معنا است که وقتی چیزی ارزش ابزاری دارد که ارزش و بهای خود را در انتساب به هدف یا موجود دیگری می‌گیرد.» (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۹۷). در کل می‌توان گفت که ارزش و درک ارزش در جامعه، ارتباطی مستقیم با کنش‌ها، رفتارها و باورهای فرهنگی و اجتماعی آن دارد.

ارزش در آثار تاریخی - فرهنگی

مطابق تعریفی که درباره ارزش ارائه گردید، آثار تاریخی - فرهنگی دارای ارزش‌های ذاتی و ابزاری است و شناخت و ارزیابی آنها، پویایی و شفافیت عناصر فرهنگی اجتماع‌های

جدول ۱. تعریف ارزش از دیدگاه‌های اندیشه‌ای مختلف

ارزش از دیدگاه فلسفه		ارزش از دیدگاه جامعه‌شناسی		ارزش از دیدگاه اجتماعی		ارزش و ایدئولوژی		ارزش و فرهنگ	
ارزش‌ها از منظر فلاسفه امری عقلانی، درونی و ذاتی هستند. آن‌ها کمتر به ارزش به عنوان امری تجربی می‌نگرند.		ارزش‌ها معیارهاری هستند که درباره کنش‌های اجتماعی و مینا و معیاری برای قضاوت می‌باشد.		به مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند، اطلاق می‌شود		معمولا ارزش‌هایی که ایدئولوژی به آنها استوار است در «ما» متبلور و متجلی می‌گردد ارزش‌ها در نظام آرمانی قرار داشته و به مسایل عینی و حوادث مربوط نمی‌شود.		فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی‌ای که تولید می‌کنند.	
فلسوف	نظریه و عقیده	جامعه‌شناسی	نظریه و عقیده	نظریه و عقیده	نظریه و عقیده	نظریه و عقیده	نظریه و عقیده	نظریه و عقیده	نظریه و عقیده
فریدریش نیچه ^۸	فلسفه چیزی جز ارزش آفرینی نیست و فیلسوف راستین کسی است که فلسفه امور را با توجه به انسان می‌نگرد و انسان تنها موجودی است که به ارزش‌ها توجه دارد و ارزش آفرین است	کنش اجتماعی است که مبتنی بر روابط و انتظارات متقابل اجتماعی و متاثر از نهادها و ساختارهای اجتماعی است	کنش اجتماعی است که مبتنی بر روابط و انتظارات متقابل اجتماعی و متاثر از نهادها و ساختارهای اجتماعی است	ارزش‌ها را به هشت طبقه تقسیم می‌کنند این تقسیم بندی به ترتیب درجه اهمیت آن‌ها نیست و سعی شده است تا ارزش‌هایی که مورد شناخت و توجه اکثریت جامعه است برشمرده شود. <ul style="list-style-type: none"> ▪ قدرت^{۱۵} ▪ روشنفکری^{۱۶} ▪ یا دانش^{۱۷} ▪ ثروت و توانگری^{۱۸} ▪ احترام^{۱۹} ▪ سلامت^{۲۰} ▪ مهارت^{۲۱} ▪ محبت^{۲۲} 	ایدئولوژی نظام فکری و خاص یک جامعه (جامعه می‌تواند یک گروه، قشر، طبقه، ملت، نژاد و ... باشد) است که از ارزش‌های آن جامعه برخاسته و افکار و اعمال افراد آن جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و هم به توجیه وضع موجود می‌پردازد و هم اعضای خود را به عمل وامی دارد یعنی علاوه بر اینکه به توجیه وضع موجود می‌پردازد به انتقاد و ارزیابی آن نیز پرداخته و از این طریق منجر به ترغیب عمل افراد می‌شود. پس ایدئولوژی برخلاف نظر بعضی از نظریه پردازان، رو به آینده نیز دارد.	گسترده ترین و کوچک ترین واحد ساختار فرهنگ، ارزش است و ارزش آن چیزی است که یک فرهنگ از جنبه اخلاقی به عنوان خوب یا بد به آن توجه دارد.	پویش تاریخ بر اندیشه و کنش اجتماعی انسان استوار است و اندیشه و کنش اجتماعی انسان قائم به فرهنگ است و فرهنگ خود بر واقعیتی که آن را نماد یا سمبل ^{۲۴} نام نهاده اند، تکیه دارد. سمبل ماده مقوم فرهنگ و واحد اساسی رفتار انسانی و زیربنای تمدن استسمبل عموما شی ای است مبین یک ارزش و یا یک معنی که این ارزش و معنی را کسانی که از این سمبل سود می‌جویند بدان می‌بخشند. بنابراین ارزش و معنی یک سمبل به هیچ وجه وابسته به شکل فیزیکی و یا ذات مادی آن نیست.		
افلاکون ^۹	ارزش‌ها در معرفت و علم به معنای دانستن و دانایی و شناسایی خیر است	ارزش‌ها ما هستند. آن‌ها بازتاب تصویری از تعهدات آن چه خوب است و آن چه خوب نیست	ارزش‌ها ما هستند. آن‌ها بازتاب تصویری از تعهدات آن چه خوب است و آن چه خوب نیست	مابیش مک دوگال ^{۱۳} و هارولد لاسول ^{۱۴}	وضع موجود می‌پردازد	پویش تاریخ بر اندیشه و کنش اجتماعی انسان استوار است و اندیشه و کنش اجتماعی انسان قائم به فرهنگ است و فرهنگ خود بر واقعیتی که آن را نماد یا سمبل ^{۲۴} نام نهاده اند، تکیه دارد. سمبل ماده مقوم فرهنگ و واحد اساسی رفتار انسانی و زیربنای تمدن استسمبل عموما شی ای است مبین یک ارزش و یا یک معنی که این ارزش و معنی را کسانی که از این سمبل سود می‌جویند بدان می‌بخشند. بنابراین ارزش و معنی یک سمبل به هیچ وجه وابسته به شکل فیزیکی و یا ذات مادی آن نیست.			
ارسطو ^{۱۰}	مینای ارزش‌ها در رعایت «حد وسط» است. از نظر او سعادت راستین در آن است که آدمی آسوده از هر گونه قید و بند با فضیلت زیست کند و فضیلت در میانه روی است	او ارزش را یک شکل و طبقه بندی جامع از تصویر یا ظاهر دنیا می‌بیند که ماهیت عمیق آن نه در واحد بودن و یک شکل بودن آن بلکه در تفاوت آن در درجه بندی بر اساس ارزش است	او ارزش را یک شکل و طبقه بندی جامع از تصویر یا ظاهر دنیا می‌بیند که ماهیت عمیق آن نه در واحد بودن و یک شکل بودن آن بلکه در تفاوت آن در درجه بندی بر اساس ارزش است		وضع موجود می‌پردازد	پویش تاریخ بر اندیشه و کنش اجتماعی انسان استوار است و اندیشه و کنش اجتماعی انسان قائم به فرهنگ است و فرهنگ خود بر واقعیتی که آن را نماد یا سمبل ^{۲۴} نام نهاده اند، تکیه دارد. سمبل ماده مقوم فرهنگ و واحد اساسی رفتار انسانی و زیربنای تمدن استسمبل عموما شی ای است مبین یک ارزش و یا یک معنی که این ارزش و معنی را کسانی که از این سمبل سود می‌جویند بدان می‌بخشند. بنابراین ارزش و معنی یک سمبل به هیچ وجه وابسته به شکل فیزیکی و یا ذات مادی آن نیست.			

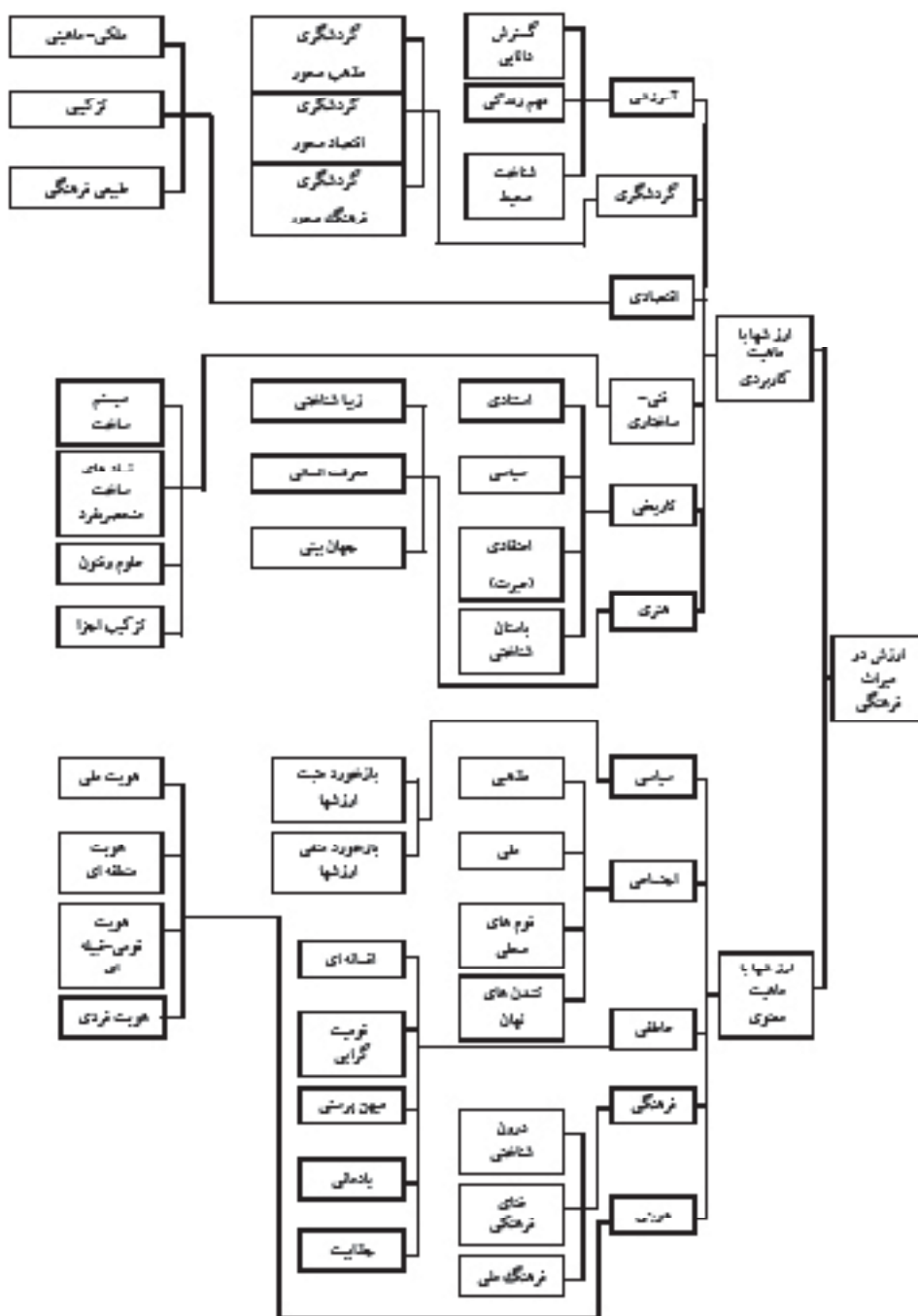
ارزش و فرهنگ	ارزش و ایدئولوژی		ارزش از دیدگاه اجتماعی		ارزش از دیدگاه جامعه‌شناسی		ارزش از دیدگاه فلسفه		
	نظریه و عقیده	فلسفه	نظریه و عقیده	فلسفه	جامعه‌شناسی	نظریه و عقیده	فلسفه		
	ارزش‌هایی که ایدئولوژی بر آن‌ها استوار می‌گردد و بدان‌ها متکی است در ما متبلور و متجلی می‌گردد و در حقیقت «ما» وظیفه و تجلی و تبلور ارزش‌ها را به عهده دارد که این ارزش‌ها به نوبه خود ممکن است ارزش‌های قدیمی و کمتر متاخر و یا معاصر و بسیار نو باشد (البته باید توجه داشت که ایدئولوژی خود مکان اصلی پیدایی ارزش‌های جدید محسوب می‌شود)	فلسفه	ارزش‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند: ارزش‌های غایی (ارزش‌هایی که به یک هستی یا وجود غایی مربوط می‌شود) - ارزش‌های ابزاری (ارزش‌هایی که به شیوه رفتار مربوط می‌شوند را ارزش‌های ابزاری می‌نامند. مانند شرافت مندی، عشق ورزیدن، مسئولیت پذیری).	فلسفه	او با تمایز دو جامعه مکانیکی و ارگانیکی از یکدیگر ماهیت و شاخص ارزش‌ها را در این جوامع متفاوت می‌داند و معتقد است که ماهیت و شدت ارزش‌ها در جوامع مکانیکی بسیار زیاد بوده و افراد این جوامع تعهد بالایی نسبت به ارزش‌ها دارند	جامعه‌شناسی	مبنای ارزش‌ها را در عمل ارادی معطوف به عمل و وظیفه می‌داند. این که هرگاه فرد از روی حسن نیت و به خاطر انجام وظیفه نه به منظور کسب منفعت یا تحصیل لذت به کاری اقدام کند، عمل وی ارزشی و خوب تلقی می‌شود.	فلسفه	ارزش در نظر فیلسوفان یکسان نیست ولی بطور کلی از تعاریف آنها اینگونه می‌توان استنباط کرد که ارزش امری عقلانی و ذهنی است که برای انجام اموری که در آن لذات و کسب منفعت فردی جایگاه ندارد
یکی از عوامل اصلی وحدت بخش ارزش که به آن‌ها نوعی یگانگی می‌دهد فرهنگ است. فرهنگ به ارزش‌ها هویت می‌بخشد؛ به عبارتی معیار ارزش از طریق فرهنگ شناسایی می‌شود. در مقابل، ارزش‌ها نیز موجب شناخت و تفاوت فرهنگ می‌شوند	یکی از خصوصیات ایدئولوژی بوجود آوردن پدیده‌ی جمعی «ما» است و معمولاً ارزش‌هایی که ایدئولوژی به آنها استوار است در «ما» متبلور و متجلی می‌گردد ارزش‌ها در نظام آرمانی قرار داشته و به مسایل عینی و حوادث مربوط نمی‌شود	فلسفه	ایده‌ها، هنجارها و اشیاء مادی که متعاقب با اعمال متقابل اجتماعی، عقاید و بازخوردهای روانی مساعدی در پیرامون آن‌ها جمع می‌شود و متکی به تجربیات مثبت هستند، ارزش اجتماعی نام دارد	فلسفه	ارزش در جامعه تعهداتی است که انسان در زندگی اجتماعی خود به جامعه داده است و ارزش بازتاب رفتارهای خوب و بد وی می‌باشد	جامعه‌شناسی	ارزش‌ها در نظر فیلسوفان یکسان نیست ولی بطور کلی از تعاریف آنها اینگونه می‌توان استنباط کرد که ارزش امری عقلانی و ذهنی است که برای انجام اموری که در آن لذات و کسب منفعت فردی جایگاه ندارد	فلسفه	نتیجه‌گیری: ارزش هم در جایگاه آرمانی و هم در جایگاه ابزاری می‌تواند موضوعیت داشته باشد، ولی این بدان معنی نیست که ارزش‌های ذاتی و آرمانی وجودی والاتر و بالاتر از ارزش‌های ابزاری دارند، ارزش‌های ذاتی نمی‌توانند وجودی والاتر از ارزش‌های ابزاری داشته باشند؛ ما از ارزش‌های ابزاری برای رسیدن به ارزش‌های آرمانی استفاده می‌کنیم بطور مدقن برای ساختن و وجود آوری ارزش‌های ذاتی و آرمانی از وجود ارزش‌های ابزاری بهره مند می‌شویم؛ این نکته را هم نباید فراموش کرد که ارزش‌های موجود در آن ارزش‌های ذاتی و آرمانی یک جامعه است و ما نباید توان خود را معطوف به اثبات یا رد این ارزش‌ها بکنیم.

(نگارندگان)

- درک این نکته در حفاظت مهم است که حفاظت تنها یک عمل تکنیکی نیست بلکه یک فعالیت فرهنگی - اجتماعی است. درواقع، حفاظت بسیاری از اعمال اولیه و ثانویه را در مداخلات فیزیکی دربرمی‌گیرد آن‌گونه که در فعالیت‌های حفاظتی باید زمینه‌های پروژه حفاظت میراث فرهنگی از قبیل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و مدیریتی، به‌طور جدی و عمیق به‌عنوان محصول مصنوع پژوهش شوند.
- مطالعه ارزش‌ها، راه مفیدی برای درک زمینه و جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی حفاظت میراث فرهنگی است.
- ارزش‌های میراث فرهنگی به‌طور طبیعی متفاوت و دربرخی موارد تضادهایی نیز باهم دارند.



- شیوه‌های سنتی ارزیابی معنا شدیداً به تاریخ، تاریخ هنر و اندیشه‌های حرفه‌ای نگهداری باستان‌شناسی وابسته هستند و آنها به صورت اولیه در میان معناها نامنظم و آشفته پذیرفته شده‌اند.
- توجه به ارزش‌های اقتصادی به عنوان نیروی بالقوه در شکل‌گیری حفاظت، موجب شده تا حفاظت از دامنه سنتی خود خارج شود و یک پارچگی آن با ارزش‌های فرهنگی موجود، یک چالش جدی و خاص باشد.
- روش واحد و همه‌گیر حفاظت از ارزش‌های میراث فرهنگی جواب نداده است بنابراین، ترکیبی از شکل روش‌ها و گوناگونی نظم‌ها باید در ارزیابی جامع ارزش‌های بناها و محوطه‌های میراث فرهنگی دخیل باشند.
- استراتژی جامع حفاظت با گزینش روش‌ها و شکل‌های مختلف حفاظت و در نظر گرفتن دیدگاه‌های درونی و بیرونی، باید در فرایند برنامه‌ریزی حفاظت، مورد استفاده قرار گیرد.



تصویر ۱. نمودار ارزش‌های قابل استحصال از آثار تاریخی- فرهنگی (نگارندگان).

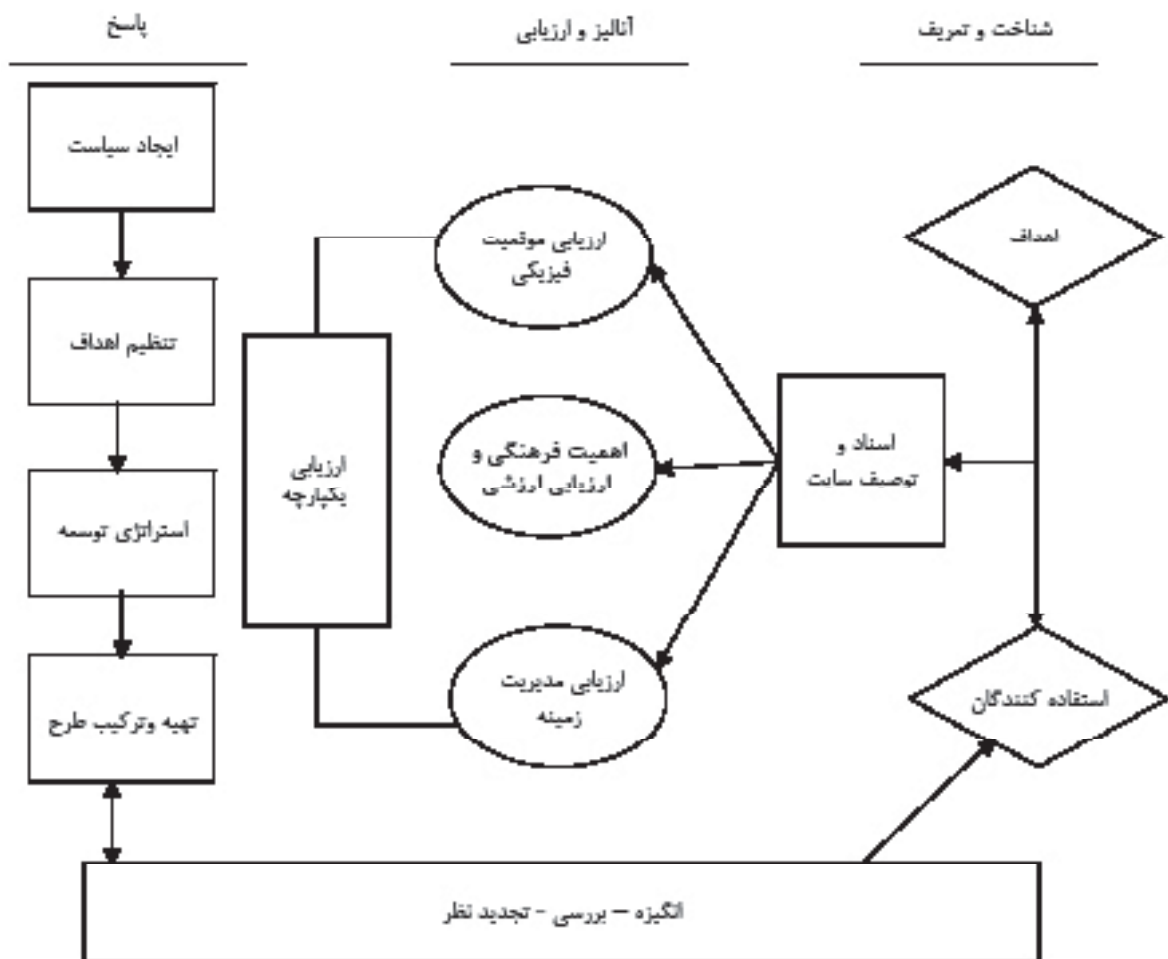
بخشی که اهمیت فرهنگی و ارزیابی ارزشی دارد (بیضی میانی تصویر ۲)، در تصویر ۳ ارائه و تجزیه و تحلیل شده که به شکل دو ردیف موازی در دو بخش وظیفه و ابزار، مشخص است. در اینجا وظیفه روند شناسایی، استنباط و بیان ارزش است. ضمن اینکه، بیان ارزش در آخرین مرحله فرایند گروهی قرار دارد.

ابعاد مسأله محوری در ارزش گذاری

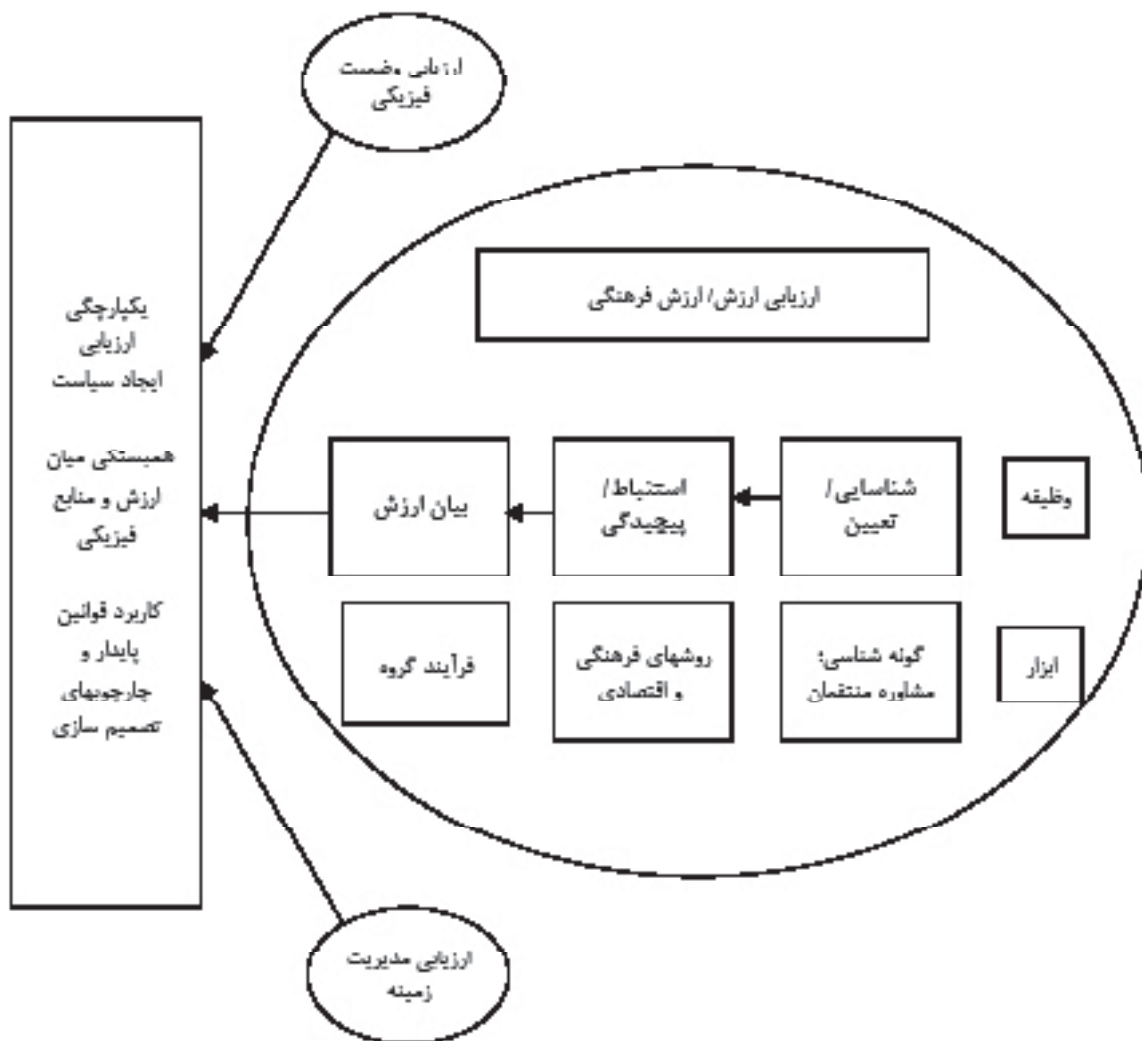
برای درک کامل ارزش باید مسائل اصلی تأثیرگذار در ارزش ها شناسایی شوند. چراکه با شناخت چگونگی ظهور و بروز مسائل تأثیرگذار در ارزیابی ارزش در آثار تاریخی، می توان تصمیم گرفت که در مواجهه با مسائل مذکور چه روندی باید طی شود. برای این کار، نیاز به شناخت بستر و زمینه هایی است که باعث بروز مسأله شده اند. «یک جزء اساسی بازنمایی یک مسأله، تشریح زمینه ای است که مسأله در آن رخ داده است. تسمیر و ریچی (۱۹۹۷)، یک الگوی مفهومی و مجموعه ای از فرایندها را برای تجزیه و تحلیل و تهیه نقشه فیزیکی،

ارزیابی فراگیر ارزش های میراث فرهنگی و یک پارچگی این ارزش های متفاوت، به برنامه ریزی و مدیریت حفاظت پایدار منجر خواهد شد.

آزمون مؤثر برنامه ریزی حفاظت پاسخ دهنده به نیاز کاربران، ارتباطات و اجتماع معاصر است (Randall Mason, 2002). همچنین مطابق آنچه در تصویرهای ۲ و ۳ آورده شده، بر مراحل ارزیابی و شناخت ارزش و به کارگیری آن در سه مرحله: شناخت، آنالیز و ارزیابی و تعیین استراتژی و سیاست گذاری تأکید شده است. در بخش اول، شناخت دو موضوع شناخت اهداف و استفاده کنندگان مورد نظر است. بدین معنا که فرد مداخله گر باید هدف و کسانی را که از این هدف بهره مند می شوند، به طور کامل بشناسد. در مرحله دوم، آنالیز و ارزیابی، ارزیابی موقعیت فیزیکی اثر، اهمیت فرهنگی و ارزیابی ارزشی و ارزیابی مدیریت موجود است که مطابق مدل ارائه شده، باید به صورت یک پارچه انجام شوند. مرحله نهایی، بحث سیاست گذاری و تنظیم استراتژی پیشرفت است که بر پایه دو مرحله پیشین صورت می پذیرد.



تصویر ۲. نمودار مراحل و بخش های مختلف در ارزیابی ارزش و کاربست آن در سیاست گذاری (Randall Mason, 2002).



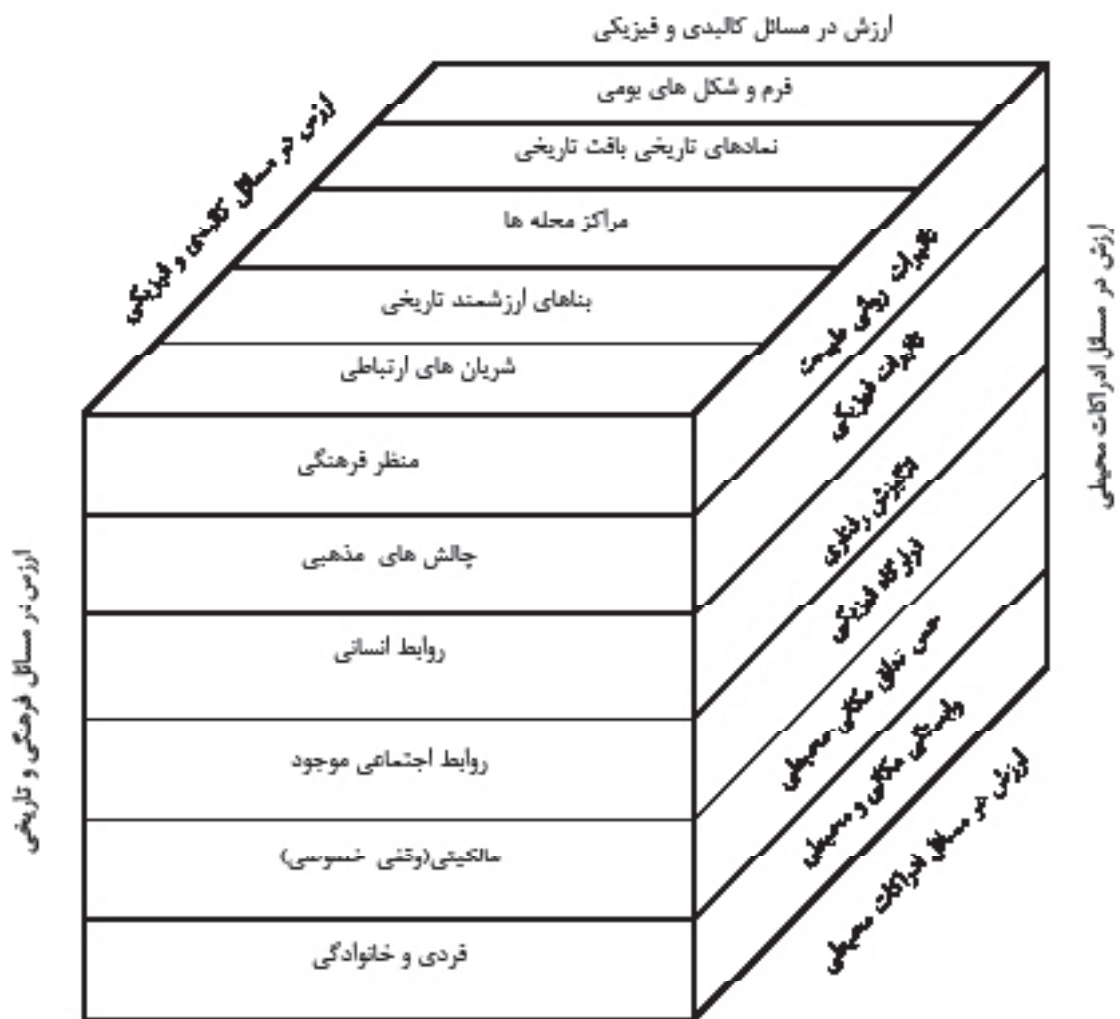
تصویر ۳. نمودار مدلی برای ارزیابی ارزش‌های فرهنگی که گسترده بخش آنالیز و ارزیابی ارزش‌های فرهنگی نمودار ۲ است (Randall Mason, 2002).

را از فرهنگ‌های مجاور و معاصر خود مجزای سازد. در هر جامعه نشانه‌هایی وجود دارد که در نمادشناسی به عنوان نماد جامعه و مردم آن محسوب می‌گردد. وقتی در تاریخ فرهنگ و هنر یک مجتمع زیستی سیر کنیم در حقیقت، چیزی نیست جز یافتن راه‌حلی که انسانی در طول تاریخ برای مشکلات و مسائل خود یافته‌اند. خواه این یافتن تعمدی و تعمقی باشد، خواه اتفاقی و تجربی، به هر حال جزء فرهنگ به‌شمار می‌رود. «تاریخ، علم تحقیق درباره حوادث و مبادی آنها و جستجوی دقیق برای یافتن علل آنهاست. علمی درباره کیفیات وقایع و موجبات و علل حقیقی آنها، از این‌روی تاریخ را ناشی از حکمت می‌دانند.» (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۲۶). مطهری درباره فلسفه تاریخ بیان می‌کند که «پس علم تاریخ در معنی سوم، علم تکامل جامعه‌هاست از مرحله‌ای به مرحله‌ای، نه علم زیست آنها در یک مرحله خاص یا در همه مراحل.

سازمانی و اجتماعی - فرهنگی وقوع مسائل، ارائه داده‌اند. مفهوم، یک مسأله مشابه در زمینه‌های متفاوت اجتماعی یا کاری مختلف خواهد بود» (فردانش، ۱۳۸۷: ۱۶۳) زمینه‌ها و بستر وجودی ارزش‌ها در آثار تاریخی- فرهنگی، می‌تواند در قالب سه دسته جداگانه از هم بررسی شوند (تصویر ۴).

- ارزش در مسائل فرهنگی - تاریخی،
 - ارزش در مسائل کالبدی - فیزیکی،
 - ارزش در مسائل ادراکات محیطی.
- ارزش در مسائل فرهنگی - تاریخی

هر اجتماعی برای خود دارای فرهنگ و تمدن ویژه‌ای است که براساس انباشت آداب و سنن جاری جامعه در طول زمان، شکل آئین و رسوم به‌خود می‌گیرد. پوسته ظاهری و بیرونی آن شکل و سیاق، فرهنگ است. فرهنگ، هر جامعه



ارزش در مسائل فرهنگی و تاریخی

تصویر ۴. نمودار مکعب مسائل و ابعاد موردنظر در ارزش گذاری آثار تاریخی بر پایه مطالعه مسأله محوری (نگارندگان).

یا هر تاریخی بودند که نتوانند از بررسی سطحی رویدادها فراتر رود.» (استویانوویچ، ۱۳۸۶: ۲۳). از ارزش های موجود در مسائل فرهنگی و تاریخی، می توان به مفاهیمی همچون منظر فرهنگی-تعاملات مذهبی، روابط انسانی و اجتماعی و مدیریت های مذهبی اشاره نمود که از ابعاد بیرونی و ظاهری آثار تاریخی قلمداد می شوند.

ارزش در مسائل کالبدی- فیزیکی

هر اثر تاریخی به طور ذاتی دارای ارزش اقتصادی است. ارزش اقتصادی موجود در آنها نه تنها در ارزش های سرمایه ای و ثروت مداری هر جامعه بلکه در ارزش های معنوی و غیرمادی هم، ظهور و بروز کرده اند. این گونه ارزش را در سه دسته می توان دسته بندی کرد.

- دسته اول: ارزش های ملکی و فیزیکی اثر است. هر اثری بخاطر موقعیت قرارگیری در محدوده تاریخی یک

ما برای اینکه این مسائل با مسائلی که آنها را تاریخ علمی نامیدیم، اشتباه نشود اینها را فلسفه تاریخ اصطلاح می کنیم.» (مطهری، ۱۳۷۶: ۷۶). آثار و مباحث تاریخی و فرهنگی برای حفاظت و نگهداری، ارزشمند هستند. نگهداری ای که منجر به آموختن از آنها برای تکامل زندگی انسانی شود چنانچه اگر این گونه نباشد، تاریخ و ارزش های آن مورد استفاده نخواهد بود. «این نوشته ای است در تاریخ اجتماعی عقاید و به ویژه درباره شعبه های به هم پیوسته آنال که دربرگیرنده مفاهیم روش شناسی و تاریخ نگاری آن است. این، تلاش کنجکاوانه ای است که دانشمندان فرانسوی برای بهره گیری از مفاهیم اقتصادی، زبان شناسی، جغرافیایی، انسان شناسی، فیزیولوژی و علوم طبیعی جهت بررسی و مطالعه تاریخ و وارد کردن موقعیت تاریخی در علوم اجتماعی و انسانی انجام داده اند. آنها، مخالف تاریخ سیاسی

شهر یا مجتمع زیستی یا در خارج از آن، دارای ارزش سرمایه‌ای است و اگر قوانین و مقررات شفاف و حمایتی جامع در این زمینه وجود داشته‌باشد، دارایی ارزشمند، فیزیکی محسوب می‌گردد. این بخش از ارزش اقتصادی در ارزیابی ارزش‌های سرمایه‌ای، ارتباطی با متخصصان امر ندارد و این بخش ارزش را بازار و فعالان اقتصادی تعیین می‌کنند. «اگر درصد انجام برآورد ارزش دارایی‌های فرهنگی هستیم تا منابع مورد نیاز برای حفظ، مراقبت، نگهداری یا بهبود وضع این میراث را ارزیابی نماییم، نیاز به ابزارهایی داریم. برآورد قیمت بعضی از این گونه دارایی‌ها در بازار، می‌تواند نقطه آغاز این ارزیابی باشد. برای نمونه، یک خانه تاریخی متعلق به فردی خاص را که در شهر قرار داشته‌باشد، می‌توان به فروش رساند و قیمت آن دست کم می‌تواند تا حدودی ارزش آن را به‌عنوان سرمایه فرهنگی و در مقایسه با ارزش فیزیکی محض آن، منعکس نماید.» (تراسبی، ۱۳۸۲: ۳۴).

دسته دوم: ارزش‌های غیرملکی است که در ترکیب با سایر ارزش‌ها، در زمینه اقتصادی به رشد و توسعه آنها کمک می‌کند و باعث جلوه‌گردن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی بواسطه حضور ارزش اقتصادی می‌گردد. «ارزش اقتصادی یکی از قدرتمندترین راه‌های شناخت اجتماعی، ارزیابی و ارزش‌های وابسته سایر چیزها است.» (Randall Mason, 2002: 12). بدین معنا که ارزش اقتصادی یک اثر، موجبات شکل‌گیری شناختی آن از سایر ارزش‌های جوامع می‌شود. «درواقع، فایده‌های دارایی فرهنگی در کل جامعه اعم از جامعه محلی، منطقه‌ای، ملی یا بین‌المللی پخش می‌شود و دامنه فایده آن، بستگی به درجه اهمیت دارایی موردنظر دارد. این فایده‌ها دست کم اجزای آشنایی چون ارزش اختیاری میراثی و موجودیت را دربرمی‌گیرند. ارزش اختیاری طبق تعریف، از تمایل فرد به نگهداری اختیار کسب فایده از دارایی در آینده‌ای نامشخص ناشی می‌شود. ارزش میراثی به ارزش دارایی به‌عنوان شیء اشاره دارد که به نسل‌های بعد به ارث می‌رسد و ارزش موجودیت، منعکس‌کننده قاعده اظهارشده‌ای است که افراد به‌صرف آگاهی از وجود آن دارایی و صرف‌نظر از استفاده یا عدم استفاده از آن، به‌دست می‌آورند.» (تراسبی، ۱۳۸۲: ۳۵).

دسته سوم: مهم‌ترین بخش از ارزش اقتصادی مربوط به ساماندهی و رونق‌دادن بخش فرهنگ و آشنایی با سنت‌ها و ارزش‌های هر جامعه‌ای می‌شود. در این بخش، هرچند مسأله اقتصاد منجر به سرمایه‌گذاری در زمینه آثار تاریخی می‌شود لیکن درنهایت، معرفی سنت و آئین‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه است که از آنها بهره‌برداری می‌شود.

گردشگری امروزه به‌عنوان یک صنعت محسوب می‌گردد و اقتصاد بسیاری از جوامعی که دارای جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی هستند، برای بهره‌مندی از سود سرشار این بخش، در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند که سود اقتصادی سرشاری نصیب جامعه و افراد آن جامعه می‌شود. لیکن در فرجام امر، این سرمایه‌گذاری اقتصادی منجر به معرفی قابلیت‌ها و ارزش‌های آن جامعه می‌شود و گردشگرانی هم که سفر را به‌عنوان یک عمل تفریحی و برای گذران اوقات فراغت خود برمی‌گزینند، ناخواسته با جلوه‌های فرهنگی و آداب و رسوم آن جامعه، آشنایی پیدامی‌کنند. به‌بیان دیگر، این بخش نه‌تنها به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی که همچون یک بازخورد فرهنگی به حساب می‌آید. «گردشگری نباید بدون فرهنگ وجود داشته‌باشد. این حکم، ناگزیر است و گردشگری در هر شکلش موجب تأثیر فرهنگی بر بازدیدکننده و میزبان است.» (افخمی، ۱۳۸۶: ۷۹). هرچند در وهله نخست، گردشگری یک پدیده اقتصادی به‌نظر می‌رسد ولی درحقیقت و باطن خود، پدیده‌ای با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی برای دو طرف، بازدیدکننده و بازدید شونده، است.

ارزش در مسائل ادراکات محیطی

هر فردی بسته به خواست‌ها و نیازهای خود، ادراکی از محیط پیرامون خود دارد. زیست انسانی و بهینه‌فرد در اجتماع، ارتباطی مستقیم با درک وی از محیط و مکان متعلق به آن دارد. وابستگی و توجه به محیط زیست، نقشی مهم و اساسی در تصمیم‌گیری دارد که از آن جمله می‌توان به حس تعلق خاطر به یک مکان اشاره نمود. از عوامل وابستگی مکانی غیر از بحث مالکیت که به اعتقاد نگارندگان بسیار تعیین‌کننده و مهم و پیچیده است، «یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل انسان که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند، کیفیت ادراکات انسانی است.» (دیبا و انصاری، ۱۳۷۴: ۳۸۵). از عوامل تأثیرگذار بر ادراک محیط می‌توان به جنسیت، سن، خاطرات بچگی، مذهب، سیاست، طبقه اجتماعی، ملیت و فرهنگ اشاره نمود که می‌توانند تعیین‌کننده این مطلب باشند که مکان، در یک شخص تعلق و حس وابستگی ایجاد می‌کند یا نه؟ بنابراین یک طراح و خالق باید سعی کند با در نظر داشتن این موارد، محیطی را به‌وجود آورد که شخص حاضر در مکان موردنظر با شکل‌گیری حس وابستگی نسبت به نگهداری از آن مکان، اقدام کند.

حس مکان مقوله‌ای را شامل می‌شود که در انسان احساس شوق و شغف، ناراحتی، غم را موجب می‌گردد. این مؤلفه در مکان‌های مذهبی و در مکان‌های تاریخی

توجه به غرب با شتابی که در خود داشت، بدون توجه به عناصر و علائم سنتی اتفاق افتاد. بی توجهی به نشانه‌های سنتی موجب گردید تا بخشی از جامعه تلاش کند و بتواند به گونه‌ای این آثار و علائم را حفاظت کند لیکن روند پیش‌رو، روشن و شفاف نبود تا بیانگر ارزش‌های واقعی موجود در آثار اعم از منقول و غیرمنقول باشد.

تا پیش از تصویب قانون حفظ آثار و قانون توسعه معابر، شناخت ارزش‌های موجود در آثار تاریخی و فرهنگی به مفهوم امروزی وجودنداشت و تعریف ارزش در آن زمان با تعریف امروزی، متفاوت بود. همچنین فشارهای جانبی باعث بی‌ارزش نگریستن این آثار در قانون می‌شد. قانونی که سال ۱۳۰۹ ه.ش. تصویب شد، تحت فشار و توصیه گروه‌های سیاسی کشور شکل گرفت و سیاست‌گذاری در این قانون، برای حذف کامل دوره قاجاریه بود. در ماده اول این قانون با وجود استفاده از واژه ارزشمند آثار ملی، در ادامه به عبارت آثار صنعتی و ابنیه و اماکن تا اختتام دوره زندیه (قانون حفظ آثار، مصوب ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۱۲)، اشاره شده‌است که این رویکرد نمی‌تواند مفهوم ارزشی و ارزیابی ارزش را پدیدار نماید. این عبارت بیانگر این مطلب است که تدوین‌کنندگان، چندان با مفهوم ارزش‌شنایی عمیق نداشتند. آن‌چنان‌که در قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها مصوب سال ۱۳۱۲ ه.ش.، به هیچ‌گونه صحبت و بحثی درباره وجود آثار ارزشمند معماری و شهری در این توسعه اشاره نمی‌شد. همچنین ظاهراً مباحث ارزش این قبیل مراکز مطرح نبوده‌است و تنها بلدیه را به اجرای طرح و نقشه‌های خیابان‌ها و میادین مکلف می‌کردند.

سال ۱۳۲۳ ه.ش.، قانونی در مجلس برای استخدام دوباره آندره‌گذار^۲ تصویب شد. در تبصره‌ای ذیل این قانون عبارت تا آخر زندیه به این عبارت تغییر یافت: «آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که در دوره قاجاریه تا آغاز مشروطیت ساخته شده و جنبه عمومی دارد، جزو آثار ملی و مشمول ماده اول قانون مصوب ۱۲ آبان ۱۳۹۰ است.» (قانون تمدید حکم استخدام آندره‌گذار، ۱۳۲۳). در این قانون دیده می‌شود که ارزش‌گذاری آثار تاریخی نسبت به دوره قبل تغییر می‌کند و جنبه عمومی بودن آثار، ارزشی برای ثبت ملی می‌گردد. ضمن اینکه دوره‌بندی سیاسی ملاک قرار نمی‌گیرد و آثار فرهنگی - تاریخی تمامی دوره‌ها حتی دوره قاجاریه هم در صورت داشتن آثار ارزشمند عمومی، قابلیت معرفی به عنوان آثار ملی را دارند.

تأسیس سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی در سال ۱۳۴۴ ه.ش. را باید یک تحول در ارزش‌شناسی حوزه آثار

به‌عنوان روح مکان شناخته می‌گردد. «ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیری گذارند و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیری گذارد. افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می‌کنند. حس مکان نه تنها باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز به‌شمار می‌رود و به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می‌کند. از دیدگاه پدیدارشناختی، مهم‌ترین مفاهیم مرتبط در بیان حس مکان، تجربه مکان و شخصیت مکان است. حس مکان به معنای ویژگی‌های غیرمادی یا شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان دارد.» (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۸). کانتر^۳، یکی از پیشگامان مطالعات ادراک معماری و شهرسازی، در مدل مشهور خود از مکان، آن را متشکل از سه بعد درهم تنیده کالبد، تصورات و فعالیت‌ها می‌داند. وی در تعریف مکان، بر این سه مؤلفه را محیط شهری معرفی می‌کند. «کیفیت طراحی شهری عبارت است از برآیند سه مؤلفه که هریک از آنها متکفل برآورده‌ساختن یکی از کیفیت‌های سه گانه کالبدی، فعالیتی و تصویری محیط شهر است.» (گلکار، ۱۳۷۹: ۳۱). انسان با بهره‌مندی از قوه تخیل و تعقلی خویش همیشه سعی در بهینه‌کردن زندگی خود در قالب مظهر زندگی (معماری) دارد به گونه‌ای که با شناخت نیاز و خواسته‌های خود همواره در پی محیطی بوده‌است که آرامش فیزیکی و غیرفیزیکی را برای خود فراهم سازد. بی‌توجهی به هریک از این نیازها و خواسته‌ها، موجب شکل‌گیری تنش‌ها و چالش‌هایی در ذهنیت و عینیت رفتاری انسان می‌گردد. بنابر آنچه بیان شد، اکنون در مقاله پیش‌رو نگارندگان با آگاهی اجمالی از ارزش و برای بررسی بیشتر این موضوع، سعی در تحلیل رویکردهای موجود در زمینه مداخله آثار تاریخی هستند تا با شناخت و تحلیل این رویکردها، مشخص کنند آیا این روند در جهت استحصال ارزش‌های موجود در آثار تاریخی بوده‌است.

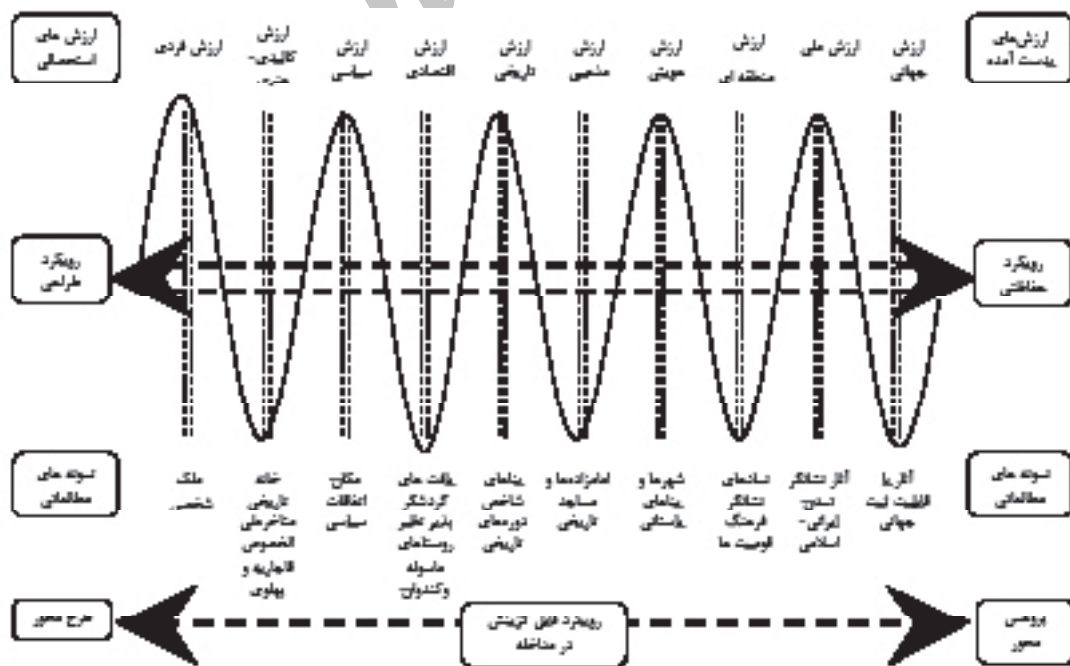
روند شکل‌گیری مفهومی و معنایی مداخله در آثار تاریخی - فرهنگی

تفکر حفاظت و نگهداری از آثار تاریخی - فرهنگی در ایران، هم‌زمان با رشد و گسترش ارتباطات سیاسی، فرهنگی و علمی شکل گرفت. این امر زمانی شدت یافت که ایرانیان در اواسط دوره قاجاریه خود را عقب‌مانده از تمدن پیشروی جهانی احساس کردند و در تلاش بودند تا به‌نوعی بتوانند عناصر غربی را در ایران پدیدآورند. شیفتگی حاصل از

فرهنگی، شامل آثار باقی مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ است و با شناسایی آن، زمینه شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می‌گردد و از این طریق زمینه‌های عبرت برای انسان فراهم می‌آید.» (قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی، مصوب ۱۳۶۴). همان‌طور که دیده شد، واژه‌های مورد استفاده تا پیش از شکل‌گیری رسمی میراث فرهنگی در ایران، واژه‌هایی کمی بودند که بیشتر دربرگیرنده روابط و خصایص مادی بودند ولی براساس تعریف میراث فرهنگی در اساس‌نامه سازمان، هر حرکتی که در مسیر تکامل زندگی انسان باشد، جزو میراث فرهنگی است. این تعریف، تمامی گزینش‌ها را برای ثبت و نگهداری آثار تاریخی جدای از زمان، مکان و ... دربرمی‌گیرد. در واقع چنین تعریفی، امری کیفی است که هر جنبش یا پدیده و فعلی که نشان‌دهنده تکامل انسان در مسیر زندگی گذشته باشد و موجبات تحول درونی و بیرونی آن شود، در رسته و دسته میراث فرهنگی قرار می‌گیرد. این واژه، واژه‌ای ارزشمند است که نقطه عطفی در سیاست‌گذاری آثار تاریخی و فرهنگی در ایران بود (جدول ۲).

بنابر فحوای مقاله نمی‌توان ادعا کرد که نمودار تصویر ۵، جامع و مانع است. همان‌طور که گفته شد براساس میزان آگاهی و اعتبار درک‌کننده ارزش، این نمودار و جایگاه‌های موجود در آن قابل تغییر است. از این‌رو هدف، ارتباطی است که چرخه ارزیابی ارزش در گزینش رویکرد مداخله می‌تواند داشته باشد.

تاریخی و فرهنگی دانست. هرچند واژه مورد استفاده در این دوره، آثار باستانی است و هنوز هم نمی‌توان از آن مفهوم کیفی و ارزشی را برداشت کرد لیکن جمله‌ای که در بند ۱ مجموعه مقررات این سازمان وجود دارد «سازمان باید کوشش نماید تا عموم مردم ایران به اهمیت آثار باستانی کشور خود واقف شوند.» (حجت، ۱۳۸۰: ۴۲۵)، نشان‌دهنده آگاهی سیاست‌گذاران از ارزش‌های آثار تاریخی بود. تدویم این رویه در سال ۱۳۵۲ ه. ش. جواب‌داد و مجلس ماده واحده‌ای را تصویب کرد که در آن بیان شده بود که «آثار غیرمنقول را که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت باشد، صرف‌نظر از تاریخ ایجاد یا پیدایش آن با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در عداد آثار ملی مذکور در قانون مزبور به ثبت برساند.» (ماده واحد ثبت ملی آثار، مصوب ۱۳۵۲). این تعریف از آثار تاریخی، مفهومی ارزشی دارد که دربرگیرنده اثری است که از شأن ملی برخوردار است. هر اثری که بیان‌کننده ملیت و هویت باشد، در مفهوم این واژه جای می‌گیرد اما مهم‌ترین واژه‌ای که از اوایل دهه پنجاه در ادبیات مداخله آثار تاریخی شکل می‌یابد و دارای ارزش بود، میراث فرهنگی است. این واژه برای نخستین بار با تصویب قانون الحاق ایران، به کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان وارد شد و با تشکیل سازمان میراث فرهنگی سال ۱۳۶۴ ه. ش.، به صورت رسمی و اداری تثبت گردید. بار معنایی و ارزشی میراث فرهنگی از ماده ۱ اساس‌نامه تشکیل سازمان میراث فرهنگی، قابل استخراج است. «تعریف میراث



تصویر ۵. نمودار گزینش رویکرد در مداخلات آثار تاریخی براساس محوریت ارزش و ارزیابی آن (نگارندگان).

جدول ۲. نقش ارزش و ارزیابی آن در آئین‌نامه‌ها و تشکیلات سازمانی مداخله در آثار تاریخی ایران

ردیف	دوره مورد مطالعه	واژه کاربردی	تعریف	ویژگی‌ها	نقاط قوت	نقاط ضعف
۱	دوره پیش از مشروطیت	عتیقه، دفینه، گنج، زیرخاکی	بر اساس روایات تاریخی، عموم مردم آثار تاریخی را به‌عنوان موردی خدا دادی برای افراد خوش شانس می‌دانستند	انتفاع اقتصادی و عدم توجه به جنبه‌های دیگر آثار تاریخی	-----	تخریب آثار غیرمنقول برای یافتن گنج
۲	اداره عتیقه‌جات پیش از ۱۲۸۰ ه.ق	عتیقه‌جات	حفاری و فروش عتیقه‌جات و دریافت مالیات و گمرگ از محل فروش اشیاء، یک شغل محسوب می‌گردد	فروش آثار تاریخی به خارجیان به‌عنوان منبع درآمد برای خانوارها	-----	تخریب آثار غیرمنقول و فروش آثار منقول
۳	انجمن آثار ملی، ۱۳۰۱ ه.ق	آثار قدیمه علمی و صنعتی ایران	ایجاد علاقه عامه به آثار قدیمه علمی و صنعتی ایران و سعی در نگاهداری صنایع دستی و حفظ سبک و شیوه قدیم	ایجاد نهادی رسمی برای فرهنگ‌سازی درخصوص آثار تاریخی	تغییر نگرش نسبت به آثار تاریخی و توجه به ارزش‌های آنها	سیاست‌گذاری براساس معیارهای غربی
۴	آئین‌نامه عتیقه‌جات، ۱۳۰۳ ه.ق	عتیقه‌جات و روی خاکی و زیرخاکی	آثار تاریخی به دو گروه زیرخاکی و روخاکی تقسیم می‌گردد و بردن آنها پیش از قاجاریه به خارج ممنوع می‌شود	ایجاد آیین نامه اولیه برای حفاظت آثار تاریخی	نظام‌نکردن برخورد با آثار تاریخی	عدم توجه به آثار دوره قاجاریه و تقسیم اشیای حاصل از حفاری به دوبخش؛ نصف مال دولت و نصف مال حفار
۵	قانون حفظ آثار، ۱۳۰۹ ه.ق	آثار صنعتی و ابنیه و اماکن	آثار تاریخی باعنوان آثار صنعتی و ابنیه و اماکن تا اختتام دوره زنده یا می‌شود و به دو بخش منقول و غیرمنقول تقسیم می‌گردد	تصویب اولین قانون مدون در سطح مجلس شورای ملی	قانونی کردن برخورد با آثار تاریخی، تقسیم‌بندی آثار به دو بخش منقول و غیرمنقول	عدم ارزش‌گذاری معقول و تاثیرپذیری از سیاست‌های قاجارستیزی پهلوی و عدم توجه به بافت‌های تاریخی
۶	تشکیل سازمان حفاظت آثار باستانی، ۱۳۴۴ ه.ق	آثار باستانی	واژه آثار باستانی برای تشخیص تاریخی بودن و نبودن همان تعاریف قبلی است و تا سال ۱۳۵۲ و تصویب ماده واحده‌ای، معیار پایان دوره زنده است	تشکیل سازمانی مستقل ویژه بناهای تاریخی در ایران	تنظیم توصیه‌نامه حفاظت - جذب افراد متخصص جوان، مستند نگاری بناها، ترویج اهمیت حفاظت و نگهداری از آنها	توجه نکردن به آثار تاریخی دوره قاجاریه بخاطر وجود خلع قانونی
۷	قانون الحاق ایران به کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی، ۱۳۵۳ ه.ق	میراث فرهنگی	آثار انسانی که در تعامل با طبیعت ساخته شده‌اند و دارای ارزش استثنایی جهانی هستند و آثار طبیعی متشکل از ترکیبات فیزیکی و زیست‌شناسی	استفاده از واژه کیفی میراث فرهنگی برای آثار تاریخی	توجه به ارزش‌های فراملی آثار تاریخی و توجه همزمان به آثار انسانی و طبیعی	عدم استفاده از ظرفیت‌های این قانون برای معرفی آثار تاریخی ایران به جهانیان
۸	تشکیل سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۶۴ ه.ق	میراث فرهنگی	شامل آثار باقی‌مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ است و از این طریق زمینه‌های عبرت برای انسان فراهم می‌شود	تثبیت واژه میراث فرهنگی در ادبیات تاریخی ایران	تجمع سازمان‌ها و نهادهای تاثیرگذار بر سیاست‌گذاری و اجرای این حوزه	عدم پیش‌بینی جایگاه مناسب حکومتی و اداری برای این سازمان

(نگارندگان)

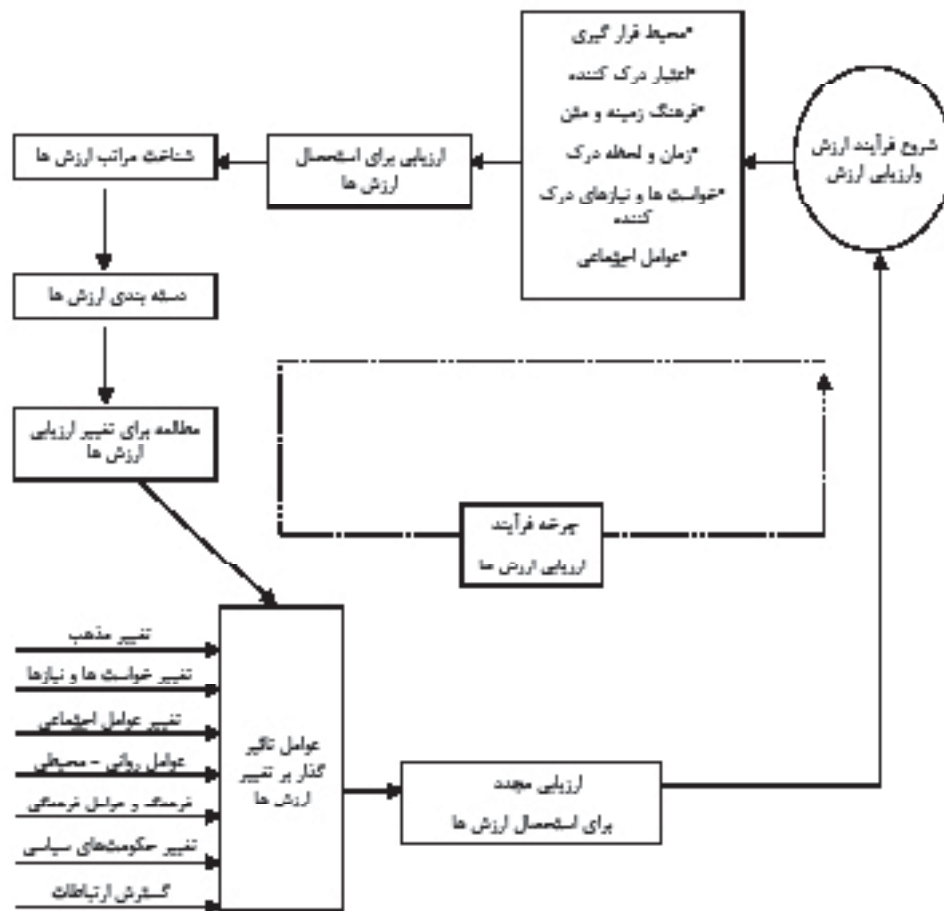


ارزش در روند ثبت در فهرست آثار ملی

شناسایی و فهرست‌برداری از آثار تاریخی و فرهنگی، جزء کارهای اولیه مداخله است. هرچقدر ثبت آثار به واقعیت عینی نزدیک‌تر باشد، سیاست‌گذاری برای مداخله هم دقیق‌تر و صحیح‌تر خواهد بود. ثبت آثار در فهرست آثار ملی، نخستین بار با بنیان‌گذاری انجمن آثار ملی انجام شد. یکی از وظایف این انجمن، ثبت و طبقه‌بندی آثاری بود که حفظ آنها به‌عنوان آثار ملی لازم بود و همچنین، صورت‌برداشتن از مجموعه‌های نفیس مربوط به کتابخانه‌ها یا موزه‌های ایران که در تصرف دولت یا مؤسسات ملی بود (اساس‌نامه تأسیس انجمن آثار ملی، ماده ۸، بندهای ۳ و ۴). پس از آن، آثار به‌صراحت در قانون حفظ آثار سال ۱۳۰۹ ه.ش. به دو دسته منقول و غیرمنقول تقسیم می‌گردد. «ماده دوم - دولت مکلف است از کلیه آثار ملی ایران که فعلاً معلوم و مشخص است و حیثیت تاریخی یا علمی یا صنعتی خاصی دارد، فهرستی ترتیب‌داده و بعدها هم هرچه از این آثار مکشوف شود، ضمیمه فهرست مزبور نماید. فهرست مزبور بعد از تنظیم طبع شده و به اطلاع عامه خواهد رسید. ماده هفتم - اموال منقوله که از آثار ملی محسوب و مالک خصوصی داشته باشد، باید در فهرست جداگانه به‌ترتیبی که در ماده سه مقرر است، ثبت شود.» (قانون حفظ آثار، مصوب ۱۳۰۹). ثبت آثار تاریخی در ایران هنگام شکل‌گیری بدین‌صورت بوده است که ثبت یک عتیقه غیرمنقول یا مکانی که شامل یک عتیقه غیرمنقول است در فهرست آثار ملی، از طرف رئیس اداره عتیقات به وزیر معارف پیشنهاد می‌گردد و وزیر معارف لزوم یا عدم لزوم ثبت را تشخیص می‌داد و در صورت لزوم، دستور آن را صادر می‌کرد. زمانی ثبت قطعی و نتایج آن به ملک تعلق می‌یافت که ابلاغ رسمی به مالک مال شده باشد. اگر مشارالیه اعتراضی به ثبت داشته باشد، به اعتراض او رسیدگی می‌شد و مالک تا یک ماه حق اعتراض دارد (اصلاحیه نظام‌نامه، ۱۳۱۱). همین تقسیم‌بندی و لیست‌برداری، تاکنون در قوانین و آئین‌نامه‌های اجرایی سازمان‌ها و مجریان تداوم داشته است و بغیر از تغییراتی که در شیوه‌های شناسایی آثار ملی به‌وجود آمد، هیچ تغییری اساسی در آنها صورت نگرفت. بدین‌معنا که فهرست آثار ملی همانی است که در اوایل شروع دوره پهلوی، انجمن آثار ملی آن را تدوین کرده و مرتب هم بر آن مواردی را افزوده‌اند. تا سال ۱۳۸۹ ه.ش. این لیست به عددی نزدیک به سی هزار رسیده است و این جای سؤال دارد که آیا اثری که امروز ثبت می‌شود با اثری که نود سال پیش ثبت شده است، در زمان و لحظه ثبت و مرتبه‌بندی، هیچ تفاوتی نباید داشته باشد.

آن‌گونه که در روند فهرست‌برداری و ثبت آثار در فهرست ملی دیده می‌شود، بی‌توجهی به ارزش‌های استحصالی این آثار وجود دارد. بنابر اعتقاد نگارندگان این نوشتار، سیاست‌گذاری برای ثبت در فهرست آثار ملی باید براساس ارزش‌های استحصالی شده در آنها انجام شود؛ هر مقدار بتوان ارزش‌های والاتری برای یک اثر استحصالی کرد، باید از مرتبه بالاتری در فهرست‌برداری برخوردار باشد. اثری که تنها بیان‌کننده ارزش‌های ساختاری و فیزیکی است با اثری که علاوه بر آنها، ارزش‌های هویتی، فراملی، سیاسی، اقتصادی و جهانی هم دارد نباید در مواجهه قانونی، از یک تراز و رتبه برخوردار باشد. از همین روست که برای ثبت آثار در فهرست ملی می‌توان سه رکن اساسی را در نظر گرفت و رتبه‌بندی و درجه‌بندی را براساس این ارکان انجام داد. در اینجا، محوریت با ارزش‌هایی است که از یک اثر استحصالی می‌گردد. رکن‌های دوم و سوم مربوط به تعهدات مالک و حاکمیت است که براساس انجام‌دادن یا ندادن به آن تعهدات، بروز ارزش‌ها در اثر تاریخی شفاف و روشن می‌گردد که این امر در رتبه‌بندی و درجه‌بندی آن نیز، تأثیری مستقیم دارد.

روش پیشنهادی کنونی تا حدودی مشابه الگویی است که در کشورهای دیگر همچون ژاپن، چین و انگلیس هم تجربه شده است. درباره ثبت آثار ملی در ژاپن تجربه‌ای که وجود دارد، بدین‌قرار است: «معرفی آثار تاریخی براساس الحاقیه که در سال ۱۹۹۶ میلادی به قانون حفاظت از دارایی‌های فرهنگی اضافه گردید. به‌گونه‌ای که سیستم معرفی، شکل هرمی و مخروطی به‌خود می‌گیرد و معرفی براساس میزان توجه، رسیدگی و ارزش‌های موجود در آن مراتب را به‌صورت پلکانی طی می‌کند تا اینکه در نهایت به‌عنوان اثر گنجینه ملی باشد.» (Rct Enders Siegfried, 1998 : 75) روند ثبت در روش هرمی بدین‌گونه است که نخست به‌صورت اولیه و کلی، فهرستی از آثار تاریخی که قابلیت ثبت در فهرست ملی را دارند، براساس پیمایش و مطالعات منطقه‌ای تهیه می‌گردد. پس از آن، هر شهر و استان که دارای فهرستی از آثار باارزش خود است، این فهرست براساس ارزش‌های آن آماده می‌شود. ارزش‌هایی که برخاسته از فرهنگ محلی و قومی هستند، بعد از آن مرحله، بخشی از آثار فهرست می‌شوند. با رعایت سه مؤلفه؛ التزام مالک و حاکمیت به انجام تعهدات خود و ارزیابی دوره‌ای ارزش‌ها (تصویر ۶)، لیستی دیگر در مرتبه‌ای بالاتر تدوین می‌گردد که مناطقی از کشور را در برمی‌گیرد که شامل اشتراکاتی در میان فرهنگ خود است. پس از این مرحله، فهرست آثار ملی و در مرتبه عالی، آثار ملی گنجینه‌های ملی قرار دارد که رسیدن به



تصویر ۶. نمودار فرایند ارزش گذاری، ارزیابی ارزش و عوامل تأثیر گذار بر ارزیابی اولیه و مجدد آنها (نگارندگان).

تاریخی - فرهنگی، ارزشی را بر ارزش دیگر برتری و رحجان داد چراکه درباره ارزیابی ارزش نمی توان قیاسی عمل کرد. بنابر گفته رندال میسون^۱، ارزش های میراث فرهنگی به طور طبیعی متفاوت و در برخی موارد دارای تضادهایی هستند (Randall Mason, 2002). باین وجود، ارزش های مختلف و گوناگون در یک اثر تاریخی، مشخص کننده حساسیت و دقت در نگرش و رویکرد مداخله اثر است. «ارزیابی فراگیر از ارزش های میراث فرهنگی و یک پارچگی این ارزش ها متفاوت با برنامه ریزی است که به مدیریت حفاظت پایدار منجر خواهد شد» (Ibid:13). حفاظت، امری اجتماعی و فرهنگی است که با ارزش های موجود در جامعه سروکار دارد و با مطالعه در آثار تاریخی به عنوان یکی از نمادهای فرهنگی - اجتماعی، قابل استحصال است. اگر در این بین اثری بیشترین ارزش های منحصر به فرد اجتماعی و فرهنگی را در خود جای داده باشد، قابلیت حفاظتی صرف پیدامی کند که تمامی رویکردهای مداخله هم باید در جهت حفاظت آن باشد. باین همه، در مواقع بسیاری اتفاق می افتد که مداخله با رویکرد طراحی برای احیا صورت بگیرد. پس اینجا استحصال،

این مرحله، وابسته به رسیدگی و نگهداری علمی و مستمر و ارزیابی ارزش ها است. البته اجرایی کردن این مراحل، به تبیین دقیق ضوابط هر مرتبه هم، نیاز دارد.

مرتبه فراملی با اشتراکات فرهنگی، آثار و گنجینه هایی را دربرمی گیرد که درون محدوده ایران فرهنگی، جدای از مرزبندی های سیاسی کنونی برای ثبت، پیمایش و بررسی شده اند که این بخش، نیازمند همکاری های بین المللی است. آخرین مرحله، پیشنهاد برای ثبت جهانی است که فرایندی تعریف شده دارد (تصویر ۷ و جدول ۳). در مدلی که در این تصویر ارائه شده، سه مؤلفه ارزش، مالک و حاکمیت، ارتباطی مستقیم و تأثیر گذاری بر همدیگر دارند و توجه یا بی توجهی به هریک از آنها، موجب صعود یا نزول ارزیابی ارزش های یک اثر می گردد.

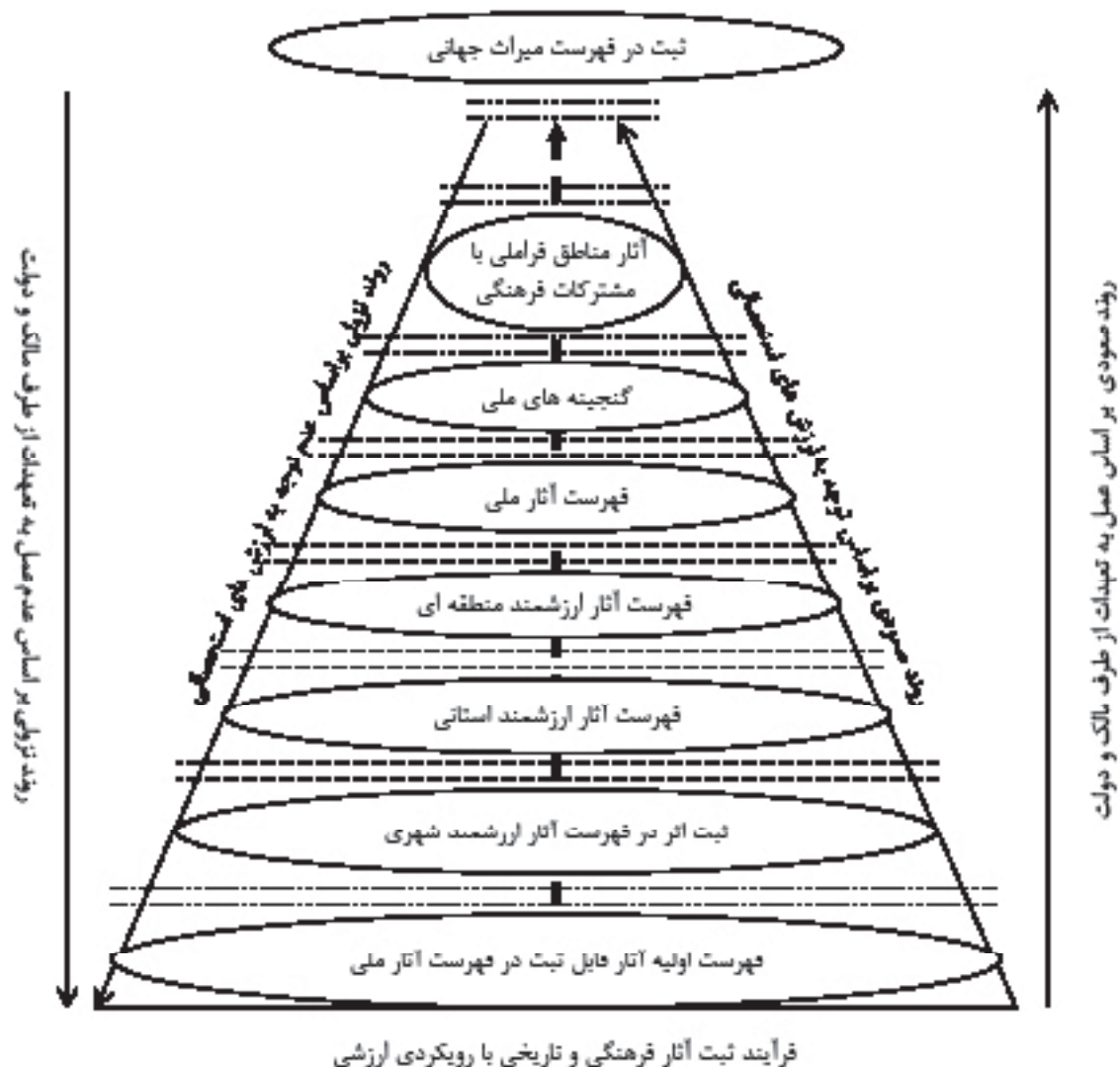
ارتباط ارزش با رویکرد مداخله

درک حفاظت و تدارک رویکرد حفاظت در آثار تاریخی و فرهنگی، ارتباطی مستقیم با مؤلفه های ارزشی استحصالی از آن دارد. هرچند نمی توان در ارزیابی ارزش های یک اثر

ارزش‌های یک اثر هستند که رویکرد و روند مداخله را در یک اثر مشخص و نمایان می‌سازد (تصویر ۵).

بر اساس آنچه در متن مقاله اشاره شده است، ارزش مفهومی پویا و سیال دارد که بنابر موقعیت جغرافیایی، اعتبار و تجربه شخص، شناسایی می‌شود. ضمن اینکه، ارزیابی‌کننده ارزش‌های یک اثر تاریخی می‌تواند دارای ارزش‌های استحصالی متفاوت از یک اثر باشد. باین حال نکته مهم، ارتباطی است که

میزان و مرتبه ارزش‌های استحصالی در گزینش رویکرد مداخله دارد. بدین معنا که هر چه مرتبه‌بندی و میزان ارزش‌ها دقیق‌تر باشد و از مرتبه ارزش‌های فردی به مرتبه ارزش‌های ملی و فراملی برسد، گزینش رویکرد مداخله باید از مرتبه طرح‌محوری به پژوهش‌محوری تغییر کند. بدین گونه، مداخلاتی که در اثری که از ارزش فردی یا منطقه‌ای برخوردار است با مداخلاتی که در اثری دارای ارزش‌های ملی یا جهانی است، تفاوت‌هایی اساسی و بنیادی دارد.



فرآیند ثبت آثار فرهنگی و تاریخی با رویکردی ارزشی

تصویر ۷. نمودار ارائه مدل هرمی برای سیاست‌گذاری در ثبت آثار تاریخی - فرهنگی با محوریت ارزش‌های استحصالی اثر و تعهدات مالک و حاکمیت وی (نگارندگان).

جدول ۳. تعاریف مراتب ارزشی سیاست‌گذاری برای ثبت آثار تاریخی - فرهنگی براساس و استناد بر ارزیابی و استحصال ارزش‌ها

ردیف	عنوان دسته‌بندی	محدوده مطالعه	ویژگی‌ها و محدوده مطالعه
۱	فهرست اولیه آثار قابل ثبت	محدوده ملی	فهرستی اولیه است و آثاری که قابلیت و پتانسیل لازم برای ثبت در فهرست آثار ملی دارند، شناسایی می‌گردد.
۲	آثار ارزشمند شهر	محدوده شهر	فهرست آثاری که براساس ارزش‌های استحصالی، هویت و فرهنگ یک شهر یا مجتمع زیستی را مشخص می‌کنند.
۳	آثار ارزشمند استانی	محدوده استان	آثاری که دارای ارزش‌های هستند که یک‌مرتبه بالاتر از شهر هستند و می‌تواند ارزشی بالاتر از یک شهر یا مجتمع زیستی داشته‌باشند.
۴	آثار ارزشمند منطقه‌ای	منطقه فرهنگی و قومی	بالاتر از مرتبه استان و در قالب مناطق فرهنگی، قابلیت دسته‌بندی هستند و فراتر از مرزبندی سیاسی - ملی آثاری هستند که ویژگی‌ها و شاخص‌های هویتی یک قومیت یا منطقه فرهنگی را مشخص می‌کنند.
۵	آثار ملی	محدوده ملی و کشوری	برخی از آثارها دارای ارزش‌هایی هستند که فراتر از یک منطقه فرهنگی می‌توانند باشند و بیانگر ارزش‌های هویتی و فرهنگی یک کشور محسوب می‌گردند.
۶	گنجینه‌های ملی	محدوده ملی و کشوری	آثاری که بین آثار ملی بخاطر ارزش‌های ملی، دارای ویژگی‌های منحصر بفردی هستند که حذف این آثار باعث خدشه‌دار شدن هویت ملی است و در سیاست‌گذاری توجه والا و بالایی را خواستند.
۷	آثار مناطق فراملی با مشترکات فرهنگی	فراملی (ایران فرهنگی)	با تغییر مرزبندی‌های سیاسی، برخی از آثار ارزشمندی وجود دارد که در خارج از محدوده‌های کنونی ایران قرار می‌گیرند ولی جزء تاریخ، فرهنگ و هویت ایران است و وظیفه سیاست‌گذاران توجه ویژه این آثار است.
۸	فهرست آثار جهانی	محدوده جهانی	هر کشوری دارای آثاری است که بسته‌به قدمت و توجه به آثار فرهنگی و تاریخی می‌توانند در جایگاه فهرست آثار جهانی در یونسکو مطرح‌گردند توجه به ارزش‌های ملی در درازمدت می‌تواند این آثار را در این جایگاه قرار دهد.

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

ارزش در هر جامعه، معادل هنجارهای پذیرفته‌شده آن جامعه است. این هنجارها از طریق سنت، مذهب، روابط اجتماعی و ... به دست می‌آیند. هر جامعه‌ای که ارزش‌های خود را دقیق و جامع بتواند شناسایی و ارزیابی کند، می‌تواند عناصر فرهنگی و نشانه‌های هویتی خود را بازنمایی و حتی بازتولید کند. ارزش در جامعه برای اینکه بتواند شناخته‌شود، باید فرایند شناسایی و ارزیابی پویا داشته‌باشد و نمی‌توان از یک فرایند ایستا و ساکن، انتظار شناسایی دقیق و جامع ارزش‌ها را داشت. آثار تاریخی هر جامعه، از نشانه‌ها و عناصر هویتی آن هستند که شناخت ارزش‌های آنها می‌تواند در پویایی فرهنگ، تأثیر مستقیم داشته‌باشد. ضمن اینکه ارزش در دو ساحت ارزش ذاتی و ارزش ابزاری موضوعیت دارد. ارزش‌های ذاتی آنهایی هستند که به صورت مستقیم هویت دارند ولی ارزش‌های ابزاری به واسطه پدیده دیگری، ارزشمند قلمداد می‌شوند. همچنین امروزه، کسی نافی وجود ارزش در آثار تاریخی نیست بلکه آنچه در شناخت ارزش آثار تاریخی مهم است، کیفیت ارزیابی ارزش در آثار تاریخی است. در نهایت اینکه ارزش در آثار تاریخی می‌تواند در دو بخش؛ ارزش‌ها با ماهیت معنوی و ارزش‌ها با ماهیت کاربردی، دسته‌بندی شوند.

از طریق مطالعه بر روند شکل‌گیری و مؤلفه‌های تأثیرگذار در شناخت و شناسایی ارزش‌ها در آثار تاریخی، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که در بحث سیاست‌گذاری برای مداخله در آثار تاریخی اعم از آثار ملموس یا غیرملموس، محور اصلی و تعیین‌کننده برای مداخله باید ارزش‌های استحصالی از اثر باشد. البته استخراج

ارزش‌های نهان یک اثر تاریخی - فرهنگی وابسته به مؤلفه‌هایی است که در قالب سه مؤلفه؛ کالبدی - فیزیکی، تاریخی - فرهنگی و ادراکات محیطی تحلیل شدند.

در ثبت آثار تاریخی و سیاست‌گذاری در مداخله آثار تاریخی، ارزش همانند زنجیره‌ای به همدیگر متصل است. هر چقدر ارزش‌های استحصال‌ی و استخراجی از یک اثر دقیق و جامع باشد، مداخله، رویکردی حفاظت‌محور پیدامی‌کند لیکن اگر ارزش‌های استحصال‌ی، ارزش‌های کالبدی و فیزیکی باشند، مداخله طرح‌محور را می‌توان مطرح‌نمود. همچنین ارزش‌های نهان در یک اثر ممکن است ارزش‌های ترکیبی باشند یا بعضی اوقات این ارزش‌ها در تضاد و تقابل هم قرارمی‌گیرند. باین‌همه، مداخله در آنها باید با مطالعه کامل روی مؤلفه‌های یادشده صورت‌گیرد و در روند شناسایی و استحصال ارزش‌ها برای به‌کارگیری آنها در تمامی مراحل مداخله، مدنظر باشند.

پی‌نوشت

- 1- Riegl Alois
- 2- The modern cult of monument: its essence and its development
- 3- Bernard Feilden
- 4- Jokilehto Jukka
- 5- Intrinsic value
- 6- Instrumental value
- 7- Significant
- 8-Friedrich Nietzsche(1900-1844)
- 9-Platon(427-346 م.ق.)
- 10-Aristotle(384-322 م.ق.)
- 11-Joel Sharrow
- 12-Georg Simmel(1918-1815)
- 13- Mc Dougal
- 14- Harold Lasswell(1978-1902)
- 15- Power
- 16- Enlighten
- 17- Knowledge
- 18- Wealth
- 19- Respect
- 20- Well-being
- 21- Skill
- 22-Afection
- 23- Erich Goode (1966-1983)
- 24- symbol
- 25- Immanuel Kant(1746-1740)
- 26- Émile Durkheim (1917-1877)
- 27- Milton Rokeach (1988-1918)
- 28- Gey Roche
- 29- David Ganter
- 30- André Godard

منابع و مآخذ

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۸). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ دوازدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- استویانوویچ، تریان (۱۳۸۶). روشی تاریخی یا پارادایم آنال، ترجمه نسرين جهانگرد، تهران: فضا.
- افخمی، بهروز (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر ارتباط باستان‌شناسی و گردشگری فرهنگی، تهران: عیلام و سازمان میراث فرهنگی - صنایع دستی و گردشگری.
- انصاری، مجتبی و طیبی، محسن (۱۳۸۳). قوانین جزایی حوزه میراث فرهنگی؛ ضرورت بازنگری در اندیشه‌ها و روش‌ها، فصلنامه علمی، فرهنگی و هنری اثر، ش (۳۶ و ۳۷)، ۲۶۹-۲۵۹.
- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸). مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، تهران: پیام.
- تراسبی، دیوید (۱۳۸۲). هفت پرسش درباره اقتصاد میراث فرهنگی، مجموعه مقالات جنبه‌های اقتصادی میراث فرهنگی، ویراستار مایکل هاتر وایلد ریزو، ترجمه علی اعظم محمدبیگی، تهران: امیرکبیر.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۵). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه محمدتقی جعفری.
- حبیبی، سیدمحسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱). مرمت شهری؛ تعاریف، نظریه، تجارب، منشورها و قطعه‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، تهران: دانشگاه تهران.
- حجت، مهدی (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران - سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت (۱۳۶۸). مجموعه خلاصه مقالات سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، تهران: گروه مرمت و احیای ابنیه و بافت‌ها.
- دیبا، داراب و انصاری، مجتبی (۱۳۷۴). چگونگی شکل‌گیری ارتباط انسان با محیط مصنوع، مجموعه مقالات گنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ارگ بم - کرمان)، جلد نخست، به‌کوشش هیأت علمی گنگره، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۸). شناسایی نقاط باارزش شهری؛ مفاهیم، مبانی، تئوری‌ها و انواع ارزش‌های شهری، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- _____ . شناسایی نقاط باارزش شهری در مشهد، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ش (۱۳)، ۱۹۰-۱۵۹.
- صفامنش، کامران و منادی زاده، بهروز (۱۳۸۲). مبانی ارزشگذاری بناها و مجموعه‌های قدیمی، فصلنامه عمران و بهسازی شهری هفت شهر، شماره دوازدهم و سیزدهم، تهران، صص ۴۶-۳۱.
- صمدی رندی، یونس (۱۳۷۶). مجموعه قوانین و مقررات، آئین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- عزیززی، محمدمهدی (۱۳۷۹). سیر تحول سیاست‌های مداخله در بافت‌های کهن شهری در ایران، هنرهای زیبا، ش (۷)، ۴۶-۳۷.
- فردانش، هاشم (۱۳۸۷). مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، چاپ دهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فرهمند بروجنی، حمید؛ احمدی، حسین و قاسم‌آبادی، ریحانه (۱۳۹۰). مروری بر نظریه پردازی‌های مرمت نقاشی دیواری در اروپا، مرمت آثار و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، ش (۱)، ۶۷-۵۵.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، هنرهای زیبا، ش (۲۶)، ۶۶-۵۷.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۱). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.
- _____ (۱۳۸۲). سیری در تجارب مرمت شهری از ونیز تا شیراز، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری فضا.
- _____ (۱۳۸۴). حریم‌گذاری بر ثروت‌های فرهنگی، تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.
- فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی (۱۳۸۸). ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط‌زیست (از رویکرد فلسفی تا رویکرد حقوقی)، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، دانشگاه قم، ش (۴۱)، ۲۱۶-۱۹۵.
- فیلدن، برنارد و یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۶). راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی، ترجمه پیروز حناچی، تهران: دانشگاه تهران.



- قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (۱۳۸۳). فصلنامه علمی، فنی و هنری اثر، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ش (۳۷ و ۳۸)، ۸-۱۱.
- گلکار، کورش (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، صغه، ش (۳۲)، ۳۵-۶۸.
- مرادی، اصغر محمد (۱۳۸۲). روند حفاظت در ایران از تأسیس اداره عتیقات تا قبل از جمهوری اسلامی ایران، هفت شهر، ش (۱۱)، ۱۴-۲۶.
- مردمی، کریم و اصغر، محمد مرادی (۱۳۸۷). الزامات ارزش گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری، مهندسی علوم (ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی)، دانشگاه علم و صنعت، ش (۱۹)، ۱۰۵-۱۱۰.
- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰). روانشناسی محیط و کاربرد آن، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). جامعه و تاریخ، تهران: صدرا.
- یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۷). تاریخ حفاظت معماری، ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری، تهران: روزنه، میراث فرهنگی و گردشگری و بنیاد پارسه.

- Avrami, E., Mason, R., & la Torre, M. (2000). **Values and heritage conservation (research report)**. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
- Feilden, B. (2003). **Conservation historic building**. (third edition). Architectural Press, Oxford-England.
- Lipe W. D. (1984). Value and meaning in cultural resources. In H. Cleere (ed), **Approaches to the archaeological heritage**, Cambridge University Press. (pp. 1-11).
- Pendlebury, J., & Gibson, L. (2009). **Valuing historic environments**. Ashate publishing company, Burlington, USA.
- Price, N., Stanley, M., Kirby Talley, Jr., & Melucco Vaccaro, A. (1996). **Historical and philosophical issues in the conservation of cultural heritage**. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
- Randall Mason (2002), **Assessing Values in conservation planning: Methodological Issues and Choices, assessing the values of cultural heritage (research report)**, edited Marta de la Torre, the Getty Conservation Institute, Los Angeles.
- Rct Enders Siegfried-Niels Gutschow(1998), **HOZON-Architectural and urban conservation in Japan**, edition Axel Menges, Stuttgart/London, ISBN:3000930698-60.
- Riegl, A. (1996). The modern cult of monuments: Its character and its origin. In N. Price et al (eds), **Historical and philosophical issues in the conse rvation of cultural heritage**. Los Angeles: The Getty Conservation Institute. P.69-83.
- Stevens, T. (1986). Technologies for prehistoric & historic preservation. Congress of the United States Office of Technology Assessment Washington, D.C, Office of Technology Assessment Congressional Board of the 99th Congress.
- <http://www.dastour.ir> (بازیابی شده در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۹۱)